

گفتمان عاشورایی

نویسنده: صافی گلپایگانی.

بسم الله الرحمن الرحيم

واقعه جانسوز کربلا، نقطه عطفی در تاریخ بشریت و مدار تاثیرگذاری و الهام بخشی به همه انسان های آزاده و بیدار جهان شد.

آنان که سر مطهر عزیز خدا و پاره تن رسول را به شادباش زشت کردارترین اهل زمین بردند آرزوی خاموشی نوری را در دل می پروراندند که خداوند قادر متعال، اراده درخشش جاودان او را نموده بود. اکنون قریب به یک هزار و چهار صد سال از آن فاجعه بزرگ که نمود روشنی از ستیز همیشگی حق و باطل است می گذرد اما خورشید عالم تاب حسین علیه السلام هر روز در افقی وسیع تر و متعالی تر در حال تجلی است.

از عاشورای سال 61 هجری که ندای استغاثه نور چشمان رسول و ریحانه بتول در میان بغض و عداوت و دنیاپرستی فرزند زادگان ضلالت، پاسخی شایسته نیافت قرن ها گذشته است اما بدون شک حسین بن علی علیه السلام از آن زمان تا کنون، لایزال بر انبوه بی شمار جان های شیفته و دل های بی قراری حکومت کرده است که داغ سرخ کربلا را از گلوی تاریخ، نسل به نسل تا پهنه قیامت، فریاد می کنند.

در حماسه بزرگ عاشورا رازی عظیم و مقدس نهفته است که مرور زمان و تکرار بی نهایت آن غم جاودان، نه تنها از عمق عظمت آن نکاسته بلکه هر روز، افق های روشن تری را در جلو چشمان حق طلبان عالم، گشوده است و به راستی

این چه سرّ عظیمی است که یادها به فراموشی می‌روند اما یاد حسین هر روز تازه‌تر از گذشته در جان‌ها زنده می‌شود و چشمه حیاتی می‌گردد که جان‌های شیفتگان را به حقیقت حیات طیبه، آشنا می‌سازد و تامل در ابعاد آن حماسه، بر بصیرت و بینش و معرفت آدمی می‌افزاید.

وسعت تاثیرگذاری و عمق نفوذ حماسه بزرگ عاشورا، که خود از معجزات آن محسوب می‌شود، به بیان ارزشمند مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیت الله العظمی صافی، آن را تبدیل به یک «دانشگاه حسینی» نموده است: «به راستی چه دانشگاهی مانند این دانشگاه، به این وسعت در طول قرون و مرور اعصار، دانشجو داشته است؟ دانشجویانی مانند شیخ مفیدها و شیخ طوسی‌ها و ده‌ها هزار نخبه برجسته و ممتاز و هزاران شهید که به حضور خود در این مکتب، افتخار می‌نمایند و همه از برکات این دانشگاه بهره‌مند و از خوان نعمت گسترده امام حسین علیه السلام برخوردارند؟»

آیت الله العظمی صافی خود نیز به حضور بر همین خوان عظیم کرامت و ولایت مولایش حضرت اباعبدالله و شرکت در دانشگاه حسین علیه السلام افتخار می‌کند. او که خود از قبیله عاشوراییان و از تبار کربلاییان زمان است مرجعی بیدار و فقیهی جهادگر است که قریب به یک قرن، در احیای تفکر و بینش عاشورا و مبارزه با اهل بدع و ضلال، از پای ننشسته و در تبلیغ پیام بلند سید و سالار آزادگان جهان، با عمل و قلم و زبان خویش مجاهدت نموده است.

«با عاشوراییان»، از عاشورا و پیام آن و رسالت‌های عاشورایی امروز ما، سخن می‌گوید. این کتاب، مجموعه نوشته‌های عاشورایی حضرت آیت الله العظمی صافی است که در 4 فصل، تنظیم گردیده است: دل‌نوشته‌های عاشورایی، پیام‌های عاشورایی، رسالت عاشورایی ما و عاشورا در عاشورا.

خواندن این کتاب که با نثری شیوا و روان نگاشته شده فرصتی مناسب برای همه شیفتگان مولایمان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است تا جلوه‌هایی جذاب و ماندگار از شخصیت آسمانی امام شهیدان و قیام حضرتش را با نگاهی عالمانه مرور نمایند و بر معرفت و بینش عاشورایی خویش بیفزایند.

مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی

فصل اول: دل نوشته‌های عاشورایی

1. شب عاشورا

اشاره

سلام الله و سلام جميع انبيائه و ملائكته على مولانا أبى عبد الله الحسين و
على اولاده و اهل بيته و اصحابه و انصاره و على زواره و شيعته. حشرنا الله فى
زمرتهم بحق محمد و آله الطاهرين صلوات الله عليه اجمعين
ای کاش فردا نمی‌شد

خدایا! چه می‌شد اگر امشب را آن فردا نبود و تا صبح روز قیامت، بامدادش
نبود و در فردایش آن جنایات هولناکی که تا آن تاریخ سابقه نداشت و بعد از
آن همانند و نظیرش اتفاق نخواهد افتاد، رخ نمی‌داد و تاریخ بشریت، سیاه و آن
چنان پر از ننگ و عار نمی‌گردید و اوج بی‌رحمی، بی‌وجدانی و درنده‌خویی
این بشر، که از هیچ مخلوق دیگری ظهور نمی‌کند نشان داده نمی‌شد، و آن
ددمنشانی که در صحرای کربلا برای ارتکاب بزرگ‌ترین جرایم تاریخ گرد آمده
بودند فرصت این همه گستاخی و اظهار
خبثت نفس را نمی‌یافتند.

آنان بدترین جنایتکارانی بودند که خود را به جیفه دنیا و به یزید و ابن زیاد - آن جرثومه ها و تجسم ستمکاری، بی شرافتی، پستی، پلیدی و همه رذایل اخلاقی و آن دشمنان مردمان مستضعف - فروخته بودند.

خدایا! اگر امشب به پایان نمی رسید، شمر و سنان و ابن سعد و حرمله و دیگر شقاوت پیشگانی که اولیای تو را محاصره کرده بودند نمی توانستند آن همه شقاوتی را که از خود نشان دادند در دفتر سیاه بنی نوع انسان، ثبت نمایند و میلیاردها بشری را که در طول تاریخ آمده و می آیند سرافکننده و شرمنده سازند. خدایا! چه می شد اگر خورشید و ماهت از حرکت باز می ایستادند و زمین از گردش باز مانده بود تا در فردای امشب، عزیزترین و بهترین بندگان تو، حسین علیه السلام و یارانش به دست دشمنان تو به شهادت نمی رسیدند و آن همه مصائب جانکاه بر اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تو وارد نمی شد؟

اما خدایا! تو خود صاحب این جهانی و دنیا را دار امتحان و آزمایش، قرار دادی و فرمودی:

لِيلُوكُمْ اَيْكُمْ اِحْسَنَ عَمَلًا^[1]

به قضا و قدر تو ارزش انسان ها ظاهر می شود. تا آنها که بالاترین مراتب کمال انسانیت را دارند در اعلام

ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة^[2]

و تو را بهترین مشتری شناخته و خود را به تو فروخته شناخته شوند. و هم آنهایی که در اسفل السافلین مکان می گیرند و

اولئك كالانعام بل هم اضل^[3]

توصیفی از خباثتشان است خود را معرفی کرده و بشناسانند.

لا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْئَلُونَ^[4]

انت العليم الحكيم^[5]

رزم آورد حق و باطل

امشب سران دو گروه، که همواره در تاریخ، مواجهه و صف‌آرایی آنها در برابر یکدیگر را خوانده و می‌خوانیم، در کربلا به صحنه می‌آیند و تمام این عالم را تا پایان این جهان به تماشای مقابله و نبرد دو جبهه حق و باطل و موقف آنها مشغول می‌سازند.

موقف الهی و رحمانی حسین علیه السلام، اهل بیت و اصحابش که با آن عده به ظاهر اندک و معدود و به باطن ام‌ها و جهان‌هایی از شخصیت‌های بی‌نظیر و بی‌بدیل، برای بذل جان در راه خدا، عزت، کرامت، شرف انسانیت، اعلای کلمه الله و احیای معالم دین تصمیم می‌گیرند و هیچ گونه فشار، تهدید و اوضاع ناگوار - از شهادت جوانان، تشنگی کودکان و اسارت فاضل‌ترین و با شخصیت‌ترین بانوان - به قدر ذره‌ای در تصمیم آنها اثر نمی‌گذارد.

و موضع نحس، ناپاک، پلید، ضد انسانی و بی‌شرمانه سپاه کوفه که با خدا اعلان جنگ داده‌اند، می‌خواهند با فرزند رسول خدا بجنگند و او و تمام یارانش را تشنه لب از دم شمشیر بگذرانند و محترم‌ترین و معتبرترین بانوان درگاه خدا را اسیر سازند.

گروه ابن سعد و شمر و سنان و خولی و یزید و ابن زیاد را طمع به جوایز و پست و مقام و یا بیم از یزید و ابن زیاد به کربلا کشانیده بود و گروه حسین علیه السلام و حزب خدا به شوق درک درجات عالیه، دفاع از نوامیس دین و حرم نبوت و ولایت در آن میدان آزمایش، حاضر شده بودند.

سپاه سعادت و لشکر شقاوت

منظره شب عاشورای کربلای سال 61 هجری قمری منظره‌ای عبرت‌انگیز و آموزنده بود؛ سعادت، مناعت و بلندی همت از سیمای یاران امام حسین علیه السلام، و شقاوت، دنائت و پستی از چهره پلید پیروان بنی امیه هویدا بود.

سپاه حسین علیه السلام که خود را چون رهبرشان، سعید می‌دانستند و به موقفی که داشتند افتخار می‌کردند و در حُسن عاقبت خود هیچ شبهه و شکی به دل راه نمی‌دادند و فاصله‌ای بین خود و رستگاری و رسیدن به لقاءالله جز شهادت در رکاب آقا و مولایشان نمی‌دیدند، آرام و مطمئن شب را به عبادت، به صبح رساندند.

و سپاه یزید، ابن زیاد و عمر سعد گرچه خود را به ظاهر پیروز می‌دیدند، اما هیچ یک خود را با موضعی که داشتند سعادت‌مند نمی‌دانستند و جز شمر و تنی چند از هم قماشانش، که شاید از کشتن اولیاء الله و فرزندان پیغمبر و آن مظاهر ایمان، توحید و کمال انسانیت لذت می‌بردند و احساس شرم نمی‌کردند، دیگران همه با وجدان خویش در جنگ و جدال بودند.

سپاه باطل و عدم بصیرت

به هر حال، اگر چه ما نمی‌توانیم هویت حق‌ستیزی فوق‌العاده و دشمنی بی‌اندازه بنی‌امیه با خاندان رسالت و میزان عداوتشان با دین را ارزیابی کنیم، اما می‌دانیم که با این وجود در میان همین اشقیا کسی نبود که برای کشته شدن و بذل جان آمده باشد؛ همه آمده بودند تا بازگردند و جایزه بگیرند یا اینکه مورد خشم ابن زیاد قرار نگیرند. و در میان آنها بسا کسانی بودند که مانند حر منتهی شدن این جریان به شهادت امام عَلَيْهِ السَّلَام را پیش‌بینی نمی‌کردند و کسانی دیگر هم شاید استقامت و ایستادگی امام و یارانش را در موقفی که داشتند باور ننموده و گمان می‌کردند پیشنهاد تسلیم یا جنگ و شهادت در آن شرایطی که بزرگ‌ترین شجاعان دنیا را به تسلیم وادار می‌نمود، کارساز می‌شود و امام و یارانش به ذلت تسلیم - العیاذ بالله - تن در می‌دهند.

خلاصه، جز عده معدودی، احدی از آنها نبود که بتواند خود را با حساب معنویات قانع سازد و از خسارت و صدمه معنوی‌ای که در این جنگ می‌بیند استقبال داشته باشد و مرگ در آن مهلکه را برای خود هلاکت حقیقی نداند. آنها نمی‌توانستند مواقف امام و یارانش را داشته باشند؛ زیرا بر باطل بودند و نمی‌توانستند در وجدان خود جنگ با پسر پیغمبر را توجیه کنند.

سپاه حق، سپاه بصیرت

اما اصحاب امام همان طور که خود امام آنها را توصیف کرد و آنها نیز خودشان مکرر اعلام کردند، به چیزی جز شهادت در راه امام عَلَيْهِ السَّلَام راضی نمی شدند و همه آمده بودند که در آن مهلکه، جان خویش را فدا کرده و به فوز شهادت نایل شوند. هدفشان از اینکه قرآن، موضع مجاهدین در راه خدا و در رکاب پیغمبر را به آن توصیف کرده و می فرماید:

قل هل تربصون بنا الا احدى الحسنين⁶

بالا تر بود. موقف آنها بین تسلیم و ترک حق و ترک امام یا شهادت در راه خدا خلاصه شده بود و آن راد مردان ایمان و شرف انسانیت، شهادت را اختیار کرده بودند و لحظه ای در آن تردید نکردند و به اینکه بر حق اند و شهادتشان در راه خداست و در این جنگ، زیان نمی کنند و کشته شدنشان در نزد خدا بی عوض نمی ماند، ایمان محکم داشتند؛ از این جهت حتی یک تن از آنها در روز عاشورا میدان جنگ را خالی نکرد در حالی که دشمنانشان هرکجا خطر مرگ را می دیدند پا به فرار گذارده و می گریختند.

شب عاشقان بی‌دل

شب عاشورا، خیام طاهره حسین علیه السلام و لشکرگاه آن حضرت پر از صفا و معنویت و شوق لقاء الله بود؛ صدای دلنوازشان به مناجات، بلند بود و تهجد و عبادتشان به انسانیت بها و ارزش می‌داد:

لهم دوی کدوی النحل ما بین راکع وساجد وقائم وقاعد^[7]

هیچ یک از آنها از اینکه فردا شب، زنده نیست متأسف نبود؛ فقط آن غیرتمندان با شهامت از این جهت نگران و متأسف بودند که می‌دانستند فردا شب، این با عظمت‌ترین بانوان بیوت شرف و کرامت، اسیر دشمن می‌شوند و حمایت‌کننده‌ای ندارند.

شب اتمام حجت‌ها

منظره شب عاشورای حسین و اصحاب آن حضرت، اتمام حجت دیگری با سپاه کوفه بود که بدانند می‌خواهند چه جنایت عظیمی را مرتکب شوند؛ تا بفهمند که با شب‌زنده‌داران و قاریان قرآن و بهترین خلق خدا رو به رو هستند؛ اگرچه بیشتر چهره‌هایی که برای یاری حسین علیه السلام آمده بودند برای آنها ناشناخته نبود.

ستارگان سپاه سیدالشهدا

حبيب بن مظاهرها و مسلم بن عوسجه‌ها، همه از کسانی بودند که سوابقشان در اسلام بر بیشتر سپاه کوفه به خصوص سران نامردشان پوشیده نبود و همه، آنها را به زهد، پارسایی، حفظ قرآن، عبادت و شخصیت می‌شناختند.

ابو عمرو نهشلی به تهجد و کثرت نماز توصیف می‌شد؛ همچنین سوید بن عمرو به شرافت و کثرت نماز، مشهور بود.

قارب، غلام امام، قاری قرآن بود، شوذب، مجلس روایت داشت و از مشایخ حدیث بود، همچنین بریر بن خضیر از قراء قرآن بود. قیس بن مسهر و عمرو بن خالد و ابوتمامه و سوید و عبدالله بن عمیر و سعید بن عبدالله و ... همه از شخصیت‌هایی بودند که حضورشان در رکاب امام عَلَيْهِ السَّلَامُ و فداکاری‌هایشان حقانیت خود و گروهشان را ثابت می‌کرد. علاوه بر اینکه جمعی از صحابه پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مانند: انس بن حارث، حبيب بن مظهر، مسلم بن عوسجه، ابوسلامه و هانی، عبدالرحمن بن عبد رب انصاری و عبدالله بن یقطر نیز به شرف افتخار جان‌نثاری حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ مشرف بودند. اصحاب حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ شامل بزرگان، حاملان حدیث، عباد، زهاد، قراء مشهور و صاحبان سوابق در مغازی بودند که کشتن هر یک از آنها سندی معتبر برای محکومیت و بطلان طرف مقابل بود.

آفتاب کربلا

بدیهی است که مشروعیت و حقانیت موقف حسین علیه السلام به خود آن حضرت بود و اگر احدی از این بزرگان از اهل بیت علیهم السلام و از آن صحابه هم، ملازم رکابش نبودند حقانیت حسین علیه السلام و بر حق بودن قیامش مسلم بود، اما شهادت این بزرگان نیز در کنار آن موج وسیعی که شهادت سید الشهداء علیه السلام در دریای بیکران و پهناور عالم اسلام ایجاد

کرد و تا امروز بر وسعت آن افزوده می‌شود، امواجی بود که هر کدام جلوه خاص و معنا و مفهومی را عرضه می‌کند و عظمت آن موجی که هرگز پنهان نمی‌شود را بیشتر نشان می‌دهد.

چنان که اجتماع سران اراذل و اوباش و اعدای اهل بیت علیهم السلام و افرادی که معلوم بود در شرکتشان هیچ هدف صحیح و مقصدی ندارند و در ارتکاب بدترین جنایت‌ها و انجام فجیع‌ترین بی‌رحمی‌ها شرکت جستند و نیز برای خوش‌رقصی و اظهار ذلت و خودفروشی به بنی امیه، آماده شده‌اند، موقف عزت، سربلندی و سرافرازی یاران ابی‌عبدالله علیه السلام را بیشتر آشکار می‌ساخت.

خدا دوستانش را می‌شناسد

آری! فرشتگان الهی که به درگاه خدا عرض کردند:

اتجعل فیها من یفسد فیها ویسفک الدماء^[8]

به این گروه یزیدیان و شمر و ابن سعد و پیروان خط و راه آنها نظر داشتند.

و خداوند متعال که در جواب آنها فرمود:

انی اعلم ما لا تعلمون^۹

به گروه حسین و اصحابش و کسانی که در طول تاریخ در این خط می‌باشند و از آنها پیروی می‌نمایند، عنایت داشت.

فرصتی برای انس بیشتر

چنانکه ارباب تواریخ و حدیث نگاشته‌اند، عصر روز تاسوعا وقتی عمر سعد بر حسب دستور ابن زیاد مبنی بر فوریت شروع جنگ، فرمان یورش به خیام طاهره را صادر کرد، به شرحی که در کتاب‌ها نوشته‌اند، امام حسین علیه السلام از آنها برای اجرای یک سلسه برنامه‌های عبادی و در واقع وداع با نماز، عبادات و تکالیف الهی یک شب مهلت خواست.

مؤمن آماده برای لقاء خدا، در عین شدت شوق برای فوز به لقاء، ادامه انس نمازی و عبادی خود با خدا را نیز دوست می‌دارد و آن را هم ظهور و جلوه‌ای از لقاء الله می‌بیند؛ برای ولی الهی مانند حسین علیه السلام که همه حالاتش در لقاء می‌گذرد، همه جلوات جلوه‌های لقای حق، لذت‌بخش است.

فرصت تفکر

این مهلت خواهی، متضمن معانی عالی و اعلان موضع برحق امام بر آن گروه ستمکار کافر بود، اعلان حقیقت، اعلان توحید و اعلان محکومیت دشمن بود و در عین حال مهلت و فرصتی برای سپاه عمر سعد بود که اگر برخی از آنان تا به حال فکر می‌کردند که جنگ، با تسلیم سید الشهداء علیه السلام و اصحابش به پایان می‌رسد و به شمشیر کشیدن بر روی آن حضرت، که با شمشیر کشیدن بر روی پیغمبر فرقی ندارد، منتهی نمی‌شود، اکنون که بر سر دو راهی جهنم و بهشت قرار گرفته‌اند در این یک شب در کار خود تأمل کنند.

اگر در همان عصر تا سوعا جنگ بلافاصله شروع می‌شد، برای آن عده‌ای که شب عاشورا به اصحاب امام می‌پیوستند دیگر فرصتی برای تصمیم‌گیری و بازگشت به سوی حق وجود نداشت و چه بسا که برای سعادت‌مندی مانند حر نیز سعادت ندامت و رجوع به حق حاصل نمی‌گردید.

بنابراین، این مهلت یک شبه اگر چه به حسین علیه السلام و اصحابش برای عبادت داده شده بود، اما مهلتی برای سپاه عمر سعد هم بود که در این یک شب فکر کرده و با رجوع به وجدان خود تصمیم بگیرند؛ اگر چه ابن سعد و شمر و سنان‌ها تصمیم خود را گرفته بودند و برای محاربه با خدا به کربلا آمده بودند، اما بسیاری بودند که به زور و تهدید و تحت تأثیر عواملی چون ضعف ایمان و نداشتن شجاعت نفسانی، و به امید خاتمه غائله با تسلیم شدن امام بودند؛ از این رو برای اینکه بر آنها اتمام حجت شود، این فرصت یک شبه لازم بود که همین فرصت در رجوع عده‌ای به حق، مؤثر واقع‌گردید.

شوق دیدار

شب عاشورا، صدای عبادت و مناجات دننواز حسین علیه السلام و اصحاب
بزرگوارش صحرای کربلا را آکنده از عطر روحانیت، معنویت، شور و شوق و
توجه به خدای متعال کرده بود؛ گروهی پاکباز، دل از جان شسته و خود را به
خدا فروخته و مطلوب و مقصود خود را یافته بودند و دعوت به قرآن، دعوت به
حق، دعوت به محکوم کردن ظلم و استکبار و دعوت به نصرت حق و دفاع از
نوامیس دین را لبیک گفته بودند.

دعاهایشان همه مشحون به معرفت و حمد و شکر الهی بود؛ خالصانه‌ترین
ستایش‌ها و نیایش‌ها همان بودند که آن عزیزان درگاه خدا، به پیشگاه معبود
حقیقی خود تقدیم می‌کردند.

آنان دلشان فارغ از همه اغیار، و پیر از اخلاص و محبت به او بود. آن حالی
را که داشتند مغتنم می‌دانستند و به آن معراجی که عروج کرده بودند سرافراز و
سربلند بودند.

قلب‌های تاریک

اما از آن سو، گروه یزیدیان که این منظره روحانی انصار الله در برابرشان قرار داشت، در عمق ظلمات و تاریکی‌هایی که در آن غوطه‌ور بودند و «بعضها فوق بعض» بود، آن روشنایی جهان تاب را می‌دیدند. اگر در آنها صاحب وجدانی بود غیر از خجلت، سرافکنندگی و از خود بی‌زاری، چه احساسی می‌توانست داشته باشد؛ آنها نه دستشان به دعا بلند می‌شد و نه می‌توانستند با عالم معنویت و لذت احساس به کمال و درک حق، ارتباط برقرار کنند. آنها چه دعایی می‌توانستند داشته باشند؟ آیا می‌توانستند پیروزی بر حق را از حق طلب کنند؟ آیا واقعاً می‌توانستند از خدا بخواهند که حسین و یارانش به دست آنها کشته شوند؟ به یقین حتی عمر سعد که با این زبان به لشکرش گفت:

یا خیل الله اركبی و بالجنة ابشری^[10]

نیز نمی‌توانست میان خود و خدا، به حسین نفرین کند، او خوب می‌دانست که بهشت و رضای خدا با کاری که او می‌خواهد انجام دهد حاصل نمی‌شود. اگر کسی در لشکرگاه عمر سعد دارای ضمیر بیداری بود و دعا می‌کرد، دعایش غیر از این نبود که: «خدایا! فردا مرا از درگیر شدن با

حسین علیه السلام و اصحابش نگهدار! مرا به شقاوت شرکت در خون حسین یا کشته شدن به دست حسین، مبتلا نساز! و همین عده معدود بودند که دعایشان مستجاب شد و به حسین و انصار حسین ملحق شدند.

به راستی که شب غریبی بود آن شب، و این دو گروه را حالات غریب متضادی بود.

یاوران حقیقی

حسین علیه السلام با دلی آرام و مطمئن و سرشار از شوق به لقاء الله خطبه خواند؛ خدا را به نیکوترین بیان، نیایش و ستایش کرد و بر اینکه آنها را به نبوت، پیامبری، علم قرآن و فقه دین سرافراز فرموده و چشم و گوش و دل (بصیرت و بینش همه جانبه) بخشیده، حمد نمود و اصحاب خود را مدح و توصیف کرده و فرمود:

فانی لا اعلم اصحابی اوفی و لا خیراً من اصحابی و لا اهل بیتی ابر و لا اوصل و لا افضل من اهل بیتی فجزاکم الله عنی خیراً^[11]
من اصحابی را باوفاتر و بهتر از اصحاب خودم و اهل بیتی را نیکوکارتر، متحدتر و فاضلتر از اهل بیت خویش نمی دانم؛ خدا شما را از من پاداشی نیک دهد.

سپس به آنها فرمود که شرط نیکی و یاری را به جا آوردید و به آنان اذن داد که از آن اقیانوس مواج پر از آزمایش به کنار روند و جان خود را نجات دهند و آنها را از بیعت و تعهدی که نسبت به آن حضرت داشتند آزاد و بری الذمه فرمود که بروند و متفرق شوند و به منازل و شهرهای خود برگردند.
فان القوم انما یطلبوننی و لو قد اصابونی للهوا عن طلب غیری^[12]
این مردم قصد تعرض به من را دارند و اگر به من دست بیابند به غیر من نمی پردازند.

آن اهل بیت بزرگوار و آن اصحاب با وفا یک قول و یک سخن، پاسخ دادند
که ما هرگز چنین کاری نمی‌کنیم و امام خود را در میان دشمن، بی‌یار و تنها
نمی‌گذاریم.

برادران آن حضرت، برادرزادگان و عموزادگانش همه گفتند، ما چنین نکنیم،
چرا برویم؟ برای اینکه بعد از تو زنده بمانیم؟!!

لا ارنا الله ذلک ابداً^[13]

خدا ما را بی تو هرگز زنده نگذارد!

ما جان خود و کسان خود را فدای تو می‌کنیم و در راه تو جهاد می‌کنیم و در
هر بلا و مصیبتی که تو وارد شوی ما نیز وارد می‌شویم.

دژهای محکم ایمان

پس از اینکه بنی‌هاشم از این مقوله سخن گفتند و تصمیم قاطع خود بر شهادت را اعلام کردند اصحاب به نوبه خود برمی‌خاستند و با عرض جانفشانی و جان نثاری در آن موقعیت به ظاهر پر از رعب و وحشت، که بر حسب عرف و عادت باید از آن پیشنهاد امام استقبال نمایند، ایمان محکم خود را به امام و راهی که در پیش گرفته اظهار می‌نمودند و به مرگ و آن شداید و مصائب جانکاهی که پیش رو داشتند اهمیتی نمی‌دادند و خوشحال و سرافراز بودند که از بوته امتحان چنان بی‌غل و غش بیرون می‌آیند.

در آرزوی شهادت

مسلم بن عوسجه ضمن بیان سخنانی پر از معنا و حقیقت، گفت:
«به خدا قسم اگر بدانم کشته می‌شوم سپس زنده می‌شوم و باز کشته می‌شوم و به آتش سوزانده می‌شوم و خاکسترم بر باد داده می‌شود و هفتاد بار با من چنین رفتار نمایند، از تو جدا نمی‌شوم تا جانم را در راه تو فدا نمایم؛ پس چگونه دست از دامن تو بردارم در صورتی که غیر از یک کشته شدن نیست که آن هم موجب کرامت بزرگ‌تر و جاوید است؟»^[14]

زهیر گفت:

«دوست دارم هزار بار مرا بکشند و خداوند متعال به کشته شدن من، از تو و از این جوانان اهل بیت کشتن را بگرداند.»^[15]

سایر اصحاب نیز آنچه باید در چنین موقعیتی بگویند را به عرض رساندند و دلاوران جهان و قویدلان را از درجه بلند قوت، استقامت، بی‌پروایی از مرگ و وحدت کلمه خود مبهور و متحیر ساختند.

بزرگ‌ترین معامله تاریخ

آری! آنچه این راد مردان می‌خواستند، بهایش همان بذل آن نفوس طیبه و جان‌های پاک بود.

احیای دین، برانداختن بدعت‌ها، اعلا‌ی کلمه الله، نجات اسلام و معالم انسانیت از خطر اضمحلال، ابطال باطل، تبدیل تفکر اموی به تفکر محمدی و اسلامی و محکوم ساختن حکومت مشرکانه سفیانی بود که به قول شاعر:

لولا صوارمهم و وقع نبالهم لم یسمع الاذان صوت مکبر^[16]

آنان با بذل جان، رضای خدا و خشنودی رسول خدا و نصرت حق و نصرت قرآن را می‌خریدند. آنها به رضوان خدا نظر دوخته بودند و الحق در معامله‌ای که کردند آن چنان سودی بردند که احدی از انبیا و اولیا در معامله با خدا بیشتر از این سود نبرده است.

نامی به بلندای تاریخ

آن شب و آن روز در بستر زمان بسیار کوتاه بود و به سرعت گذشت، اما آن صبر، پایداری و استقامت بر تصمیم در هر ثانیه‌ای از آن شب و روز تنها از کسانی مانند آن نخبگان فضیلت و شخصیت، قابل ظهور و صدور است.

گوارا باد بر آنان رضای خدا و رضای رسول خدا ﷺ و رضای امیر المؤمنین علیه السلام و رضای فاطمه زهرا سلام الله علیها و رضای امام مجتبی علیه السلام و رضای آقا و مولایشان حسین علیه السلام.

همه جهات مادی آنها - که عاقبت هم از میان می‌رود - در آن معرکه از بین رفت، اما فضیلت، معنویت و نام بلند آنها باقی ماند و اگرچه دشمن بر آن ابدان طیبه چیره شد اما هرچه کرد نتوانست بر مکارم اخلاق، حریت، ایمان، اضطبار و موضع ضد ظلم و استضعاف آنها مسلط شود.

قد غیر الطعن منهم کل جارحة الا المکارم فی امن من الغیر^[17]

خدایا! ما آنها را دوست می‌داریم و به کار آنها راضی و خشنودیم و مواضع آنها را می‌ستاییم؛ ما را در زمره آنان و دوستانشان مقرر فرما.

در سودای محبت دوست

اگر شنیده‌اید که فرموده‌اند اصحاب سید الشهداء علیهم‌السلام درد شمشیر را احساس نمی‌کردند، باور کنید و تعجب نکنید! آنچه آنها می‌دیدند و به شوق آنچه آنها می‌رزمیدند و نیل به مقامات و درجاتی که آنها به آن ایمان داشتند، شخص را از احساس رنج و درد تیر و شمشیر باز می‌دارد.

انسانی که گرم توجه به حق تعالی است و در عوالم وصال با او سیر می‌کند اگر غیر او و خودش را فراموش کرده و خلع بدن شده باشد عجیب نیست چنان که معروف است که پیکان تیر را از بدن امیرالمؤمنین علیه‌السلام در حال نماز می‌کشیدند و آن حضرت دردی احساس نمی‌فرمود:

در نماز آن چنان زجا رفتی که دعاوار بر سما رفتی
پر به سودای تن نکوشیدی گاه گندی و گاه پوشیدی
بود غفلت زسلخ پیکانش که به تن بود آن نه برجانش

وقتی که بانوان مصری با دیدن جمال یوسف چنان از خود بی‌خود شدند که بر حسب آیه کریمه:

فلما رأينه اکبرنه و قطعن ایدیهن و قلن حاش الله ما هذا بشراً ان هذا الا ملک
کریم^[18]

دست‌های خود را به جای ترنج بریدند و به آن التفات نداشتند، پس اگر اصحاب سید الشهداء علیهم‌السلام با آن درجه بلند معرفت و با اینکه غرق تماشای جمال

الهی بودند و بر حسب اخبار، حضرت منازل آنها را به آنان نشان داد، ضرب شمشیر و تیر و نیزه را بر جان خود خریدند و آن چنان گرم شور و شوق و فوز به لقاء الله و ثواب حق تعالی شدند، جای تعجب نیست.

برگزیدگان مکتب ایمان

این اصحاب، برگزیدگانی بودند که از پیش برای چنین امتحانی آماده شده بودند و در درک این فضیلت از همه بزرگان و اصحاب پیغمبر ﷺ و یاران امیرالمؤمنین و امام حسن علیهما السلام که در آن عصر زنده بودند، پیشی گرفته و بر همه، فضیلت، بلندی و رتبت یافتند.

در کتاب «بصائر الدرجات» از حذیفه بن اسید غفاری قریب به این مضمون نقل شده است که:

«پس از اینکه حضرت مجتبی علیه السلام از کوفه به سمت مدینه عزیمت کرد من در التزام رکاب آن حضرت بودم و شتری را دیدم که باری بر آن است و پیشاپیش حضرت، حرکت می‌کند. به حضرت عرض کردم: «جعلت فداک (فدایت شوم)! مگر بار این شتر چیست که شما به آن توجه دارید و آن را زیر نظر قرار داده‌اید؟» فرمود: «طومار اسامی شیعیان ماست.» گفتم: «فدایت شوم! می‌شود آن را به من نشان بدهی تا نام خودم را در آن ببینم؟» فرمود: «آری! فردا صبح نزد من بیا.» از آنجا که من خود خواندن نمی‌دانستم، برادر زاده‌ام را به همراه خویش بردم. حضرت مجتبی علیه السلام فرمود: «این جوان کیست؟» عرض کردم: «برادرزاده من است؛ او را آورده‌ام تا نام مرا در آن طومار ببیند.» حضرت

مرا امر به نشستن فرمود و دستور داد آن دیوان و دفتری را که در میانه است
بیاورند. برادر زاده‌ام در آن

نگریست و گفت: «عمو! اسم من در این صحیفه است.» گفتم: «من تو را
آورده‌ام تا نام من را بجویی و تو نام خود را می‌خوانی؟» جوان چند برگگی را
ورق زد و سپس نام مرا نیز در آنجا پیدا کرد. من از این در تعجب ماندم
که چگونه نام او پیش از نام من ثبت شده بود تا اینکه آن جوان در رکاب
حضرت سید الشهداء علیه السلام افتخار شهادت یافت و راز آنکه اسم او را در ورق‌ها
پیش از نام عمویش، حذیفه ثبت کرده بودند، معلوم شد.»

شاید از این جهت باشد که وقتی ابن عباس حبر امت به ترک ملازمتِ رکابِ
سید الشهداء علیه السلام در سفر به کربلا مورد عتاب و ملامت قرار گرفت، جواب داد:
«ان اصحاب الحسين لم ينقصوا رجلاً نعرفهم و لم يزدوا رجلاً باسمائهم من قبل
شهودهم.»؛ اسامی اصحاب امام حسین علیه السلام را از قبل می‌دانستیم، نه یک نفر کم
و نه یک نفر زیاد.

و از محمد بن حنفیه نقل است که گفت: «ان اصحابه عندنا لمکتوبون
باسمائهم و اسماء آبائهم.»؛ اصحاب امام حسین علیه السلام در نزد ما با اسامی خود و
پدرانشان مشخص بود.

سلام الله عليك يا ابا عبدالله و على الارواح التي حلت بفنائك عليكم منى
سلام الله يا ليتنى كنت معكم فافوز فوزاً عظيماً

2. صبح عاشورا

اشاره

السلام عليك يا ابا عبد الله الحسين
صبحی سهمگین

صبح روز عاشورا، صبح روز رستاخیز عظیمی است که بشریت در هولناک‌ترین موافق و هراس‌انگیزترین ایستگاه‌ها قرار گرفت و با حوادثی رو به رو شد که فرشتگان آسمانی را هم به شگفتی انداخت.

صبحی است سخت رهیب؛ مخاطراتی که در پی دارد و امتحاناتی که برای انسان پس از آن پیش می‌آید، چنان شکننده است که شکست‌ناپذیری در برابر شداید آن، جلوه امر محال و غیر ممکن را دارد. اگر آن سختی‌ها بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها فرود می‌آمد، تحمل آن را نداشتند و اگر توان همه افراد بشر را یک نفر داشته باشد باز هم توان غلبه بر شداید و مصائب این روز از صاحب آن، عجیب و حیرت‌انگیز است.

جلوه‌گاه ایستادگی

استقبال از این روز، تنها در تاریخ انسانیت، از یک نفر صادر شده است^[19] و نه پیش از او سابقه داشته و نه بعد از آن اتفاق می‌افتد؛ یک نفر که از نظر ظاهری یک تن بود، اما از نظر معنا و بصیرت در معنویت و شخصیت، یک عالم و عالم‌ها و بیش از آسمان‌ها و زمین و بهشت و آنچه در آنهاست بود، و همان مثال حقیقی و اکمل «الصورة الانسانية هي أكبر حجج الله على خلقه، وهي الكتاب الذي كتبه بيده وهي الهيكل الذي بناه بحكمته، وهي مجموع صور العالمين وهي المختصر من العلم في اللوح المحفوظ»^[20] بود، بزرگ مردی که در این روز و در این میدانِ پر از آنچه در نظر همه وحشتناک، هول‌انگیز و غیر قابل تحمل است، ایستاد.

آن کس که اصالت و شرف انسان، اوج عظمت خود و ارزش انسان در تمام عوالم خلقت را به همه مخلوقات و ممکنات نشان داد و آیاتی مانند «لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم»^[21] و «فتبارك الله احسن الخالقين»^[22] و «انی اعلم ما لاتعلمون»^[23] را تفسیر نمود، حسین است؛ حسین انسانیت، حسین ملائکه، حسین انبیا، حسین ابراهیم و موسی و مسیح، حسین محمد و علی و فاطمه، حسین حسن، حسین اسلام، حسین قرآن، حسین صبر و استقامت، حسین حق و عدالت، و در نهایت حسین خدا و حسین و حسین.

صبح مصیبت‌ها

صبح روز عاشورا است؛ صبحی که آبستن مصایب جانکاهی است که حسین علیه السلام و اهل بیت و اصحابش باید به استقبال آنها بروند و از دین، قرآن و شرف آل محمد صلوات الله علیهم و شرف همه انسان‌های شریف، دفاع کنند و در این روز، یگانه راهی را که طی کردن آن برای نخبگان در طول قرن‌ها میسر نمی‌شود، با عزت و سرافرازی طی نمایند.

صبح عاشورا است؛ انبوه لشکر ظلم و ضد انسانی، لشکری که برای انجام بزرگ‌ترین جنایات آماده شده بودند، گروه معدود و به ظاهر اندک از نخبگان عالم وجود را محاصره کرده بودند.

عاشورا جلوه‌گاه توکل

حسین علیه السلام و اصحابش با تصمیم قاطع و عزمی راسخ، به تمام دنیا، مردم آینده جهان، فرشتگان و همه، اعلام وجود می‌نمایند، و الله اکبر از آن عظمت ایمان و عظمت هدف و مقصد!

حسین علیه السلام اگر چه وجودش ملامال از توجه خاص به خداوند متعال بود و اگر چه دلش در حد کمال، محکم و استوار بود و می‌دانست که در آن معرکه، که دشمن همه گونه شرارتی را مرتکب می‌شود، نه خودش و نه اصحابش شکست نمی‌خورند، و با روحیه و قوت ایمان به خدا در خط خود و صراط مستقیم فداکاری در راه دین و استقبال از شهادت، دشمن را بیچاره می‌نمایند، اما با این همه، مرد موحد و بنده خاص و خالص خدا همه چیز و همه نیروها را از او

می‌داند و فقط او را حی و قیوم می‌شناسد، از این رو با ابتهال تمام، از خدا طلب کمک کرده و وثوق و اعتماد خود به پروردگارش را اعلام می‌نماید، و چنان دعا و ابتهال می‌کند که زبان و بیان ما از تقریر این شور و شوق و توجه حسین و اصحابش به خدا عاجز است.

دعای حسین علیه‌السلام چه بود؟

حسین علیه‌السلام در این روز آنچه را که به ظاهر برای انسان عزیز است و همه برای حفظ آنها دعا می‌کنند، در ورطه خطر قطعی می‌بیند. او دعا می‌کند، اما دعایش نجات ظاهری از این ورطه و امتحان بزرگ نیست؛ دعا نکرد که خدایا! جوانانم و برادرانم را از این قتل و شهادت و اهل بیت را از اسارت، نجات بده و آنها و اصحابم را باقی بدار، یا شیر خوارم را مورد ترحم این اشرار قرار بده؛ نه! او این گونه دعا نمی‌کرد و هیچ یک از اصحاب و یاورانش هم این گونه دعا نمی‌کردند؛ آنها همه به شهادت می‌اندیشیدند؛ آنها از اینکه انصار خدا، انصار رسول خدا و انصار حق می‌باشند به خود می‌بالیدند.

در اندیشه شهادت

و چیزی که به فکر آنها خطور نمی‌کرد، نجات از مرگ بود. آنها همه مستغرق در بحار توجه به خدا و نیل به فوز شهادت بودند، دعایشان این بود که در شهادت و ایثار جان در راه خدا هرچه بیشتر، خالصانه و موفق‌تر عمل نمایند و فداکارتر باشند و در برابر ضربات تیرها و شمشیرها و نیزه‌های دشمن، شایق‌تر ایستادگی نمایند؛ کشته شدن در راه خدا و شهادت، فوز عظیمی بود که به چشم خویش می‌دیدند و با اختیار و اشتیاق تمام به سوی آن می‌شتافتند.

پرواز روح

دعای حسین علیه السلام در این روز، دعایی است که اوج پرواز روح آن حضرت را به نمایش گذاشته، و ارتباط خاص و خالص او با خدا را بیان می‌کند. نکته‌های بزرگی که در این دعا و در این موقعیت نهفته، بسیار آموزنده و سازنده است؛ این بالاترین مقام ربط و قرب آنان به خداست؛ انسانی که تمام وجودش معنای «انّ صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله ربّ العالمین»^[24] است دعا این است:

اللهمّ انت تقنی فی کلّ کرب وانت رجائی فی کلّ شدّة وانت لی فی کلّ امر نزل بی ثقة و عده، کم من همّ یضعف فیہ الفؤاد، وتقلّ فیہ الحیلة، ویخذل فیہ الصدیق، ویشمت فیہ العدو، انزلته بک و شکوته الیک رغبة منی الیک عن سواک، ففرجته

عنی و کشفته و کفیتیه، فانت ولی کلّ نعمة، و صاحب کلّ حسنة، و منتهی کلّ

رغبة [25]

چند نکته از یک دعا

در این دعا، که جمله‌های توحیدی آن را بزرگان علما و اهل معرفت و ارتباط با حقایق عالی و معانی متعالی باید شرح بدهند و برهان قدرت ایمان، وثوق، اعتماد و امید امام علیه السلام به خداست، به نکته‌های بزرگی اشاره شده است.

اول: توحید در مقام وثوق و اعتماد و اتکا؛ امام علیه السلام در اندوه‌ها تنها خدا را پشتیبان و تکیه‌گاه خود می‌داند و به احدی غیر از خدا اعتماد و اتکا ندارد.

دوم: توحید در مقام رجا و امید؛ که در این مرتبه و مقام نیز حسین علیه السلام در هر شدت و سختی به او و حسن قضای او امیدوار است.

سوم: خدا را ستایش می‌نماید که در همه حالات و همه هم و غم‌ها، هموم و غموم او را برطرف ساخته و غصه‌هایی که دل را ضعیف می‌نماید و راه چاره در آنها بسته می‌شود و در آن دوست، شخص را وامی‌گذارد و

دشمن، شماتت می‌نماید، بر طرف فرموده است. در اینجا و در این موقف هولناک نیز از خدا می‌خواهد که به او توان حفظ آن موقف را عطا کند و او را در تحمل این همه مصیبت‌ها و بلیات یاری فرماید که تا پایان راه، همه این مدارج و معارج را خودش و اهل بیت و اصحابش با عزمی خلل‌ناپذیر طی نمایند، و مشتاقانه، یکایک گردنه‌های خوفناک این وادی را پشت سر گذاشته و پیش بروند؛ و بروند تا به جایی برسند که دیگر این عقل‌های محدود ما از درک اوج آن عاجز است، و همه قله‌های عظمت را فتح نمایند.

ودعای حسین علیه السلام مستجاب شد

این دعا و این ابراز اعتماد و وثوق به بهترین وجهی مستجاب شد، و حسین به آنچه اراده کرده بود و می‌خواست، رسید؛ همه مقاصدش حاصل شد و همه حوائج حقیقی و خواسته‌هایش برآورده گردید؛ همه یاران و اصحابش قله‌های بلند تقرب به خدا را فتح نمودند و برکات کار آنها تا روز قیامت، شکوفا و زنده و پایدار است و آیه شریفه

ضرب الله مثلاً كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت وفرعها في السماء^[26]

در طول قرون و اعصار تا روز قیامت، تفسیر شد.

والسلام على الحسين وعلى اولاد الحسين وعلى اصحاب الحسين و رحمة الله

وبركاته^[27]

فصل دوم: پیام‌های عاشورایی

اشاره

. صراط مستقیم حسین علیه‌السلام

اشاره

أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمَصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلْنَا وَآيَاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِنَارِهِ مَعَ
وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
قال الله تعالى: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ^[28]

شکست ناپذیران عرصه کربلا

تاریخ رجال بزرگ عالم بشریت، مردان خدا، انبیا، اولیا، از مواقف بسیار
هولناک و وحشت‌زا و روزها و هنگامه‌های بسیار خطرناکی که برای آنها
پیشامد نموده، حکایت می‌کند که حفظ موضع، مقام، استقامت و انجام وظیفه در
آن شرایط موحش، نه تنها کار انسان‌های عادی نیست؛ بلکه بسیاری از
تَهْمُنْتَان، شیردلان و صاحبان عزم و اراده آهنین نیز در این مواقف
به زانو درآمده و در موضع و مقامی که باید بر سر آن بایستند پایدار
نمی‌مانند. این مواقف گاه تا حدی بلاخیز و مصیبت‌زاست که در عرف
اکثریت، استقامت بر آن محال و ترک آن مُجاز شمرده می‌شود.

کسانی که در این مواقف ایستادند و انجام وظیفه نموده، از شرف انسانیت و ایمان و عقیده خود به خدا دفاع کرده، خطرات را تحمل نموده و در امواج بلیات و تلاطم اقیانوس‌های مصائب و فشارها غرق نشدند، از نوادر عالم خلقت می‌باشند.

آنان شکست ناپذیر، شکیبیا و مقاوم بر جای می‌مانند و جز در مقابل خدای عظیم در برابر احدی سر تسلیم فرود نمی‌آورند و هیچ گونه فشار، محرومیت و مصیبتی روحیه آنها را دستخوش تلاطم نمی‌کند.

نه بیم از زوال مقامات بلند و ظواهر و مظاهر فریبنده جهان - که بسیاری فریفته و دلباخته آن هستند - آنها را به عوض کردن مسیرشان و ادا می‌سازد و نه ترس از شداید، رنج‌ها و سختی‌ها، در صبر و مقاومتشان سستی ایجاد می‌کند؛ کوه‌های سخت از هم می‌پاشند اما این رجال الهی متزلزل نمی‌شوند.

رجال لا تلهيهم تجاره ولا بيع عن ذكر الله و اقام الصلوه و ايتاء الزكوه يخافون
يوماً تتقلب فيه القلوب و الأبصار^[29]

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم

من قضی نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلاً^[30]

مقصد تربیتی انبیا

یکی از مقاصد مهم بعثت انبیا و تربیت های وحیانی، پرورش همین روحیه مقاومت در برابر اموری است که تسلط آنها بر بشر موجب هلاکت، خسران، زیان معنوی و واقعی و سقوط او می‌گردد. همه باید مقاوم تربیت شوند و همه باید بر غرایز و خواسته های حیوانی و مشتتهیات جسمانی مسلط شوند تا در برابر نفس اماره، شهوت، حب جاه، حب مال، حب دنیا و جنود جهل مغلوب نشوند و در این میدان و رزمگاهی که همواره برپاست غالب و پیروز باشند.

پیروزمندان عرصه بندگی

در این میان، چنان که گفته شد انبیا، اولیا و ائمه هدی علیهم السلام از همگان گوی سبقت ر بوده‌اند و پیروزمندانه مواقف خود را حفظ نموده و عوامل سلبی یا ایجابی در اراده و عزم آنها اثری نبخشیده است. موقف ابراهیم خلیل، موسای کلیم، عیسای مسیح و مواقف عظیم حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و مواقف امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و سایر ائمه هدی علیهم السلام، همه سرمشق، آموزنده، فوق العاده و از مظاهر بزرگ اوج عظمت مقام انسانی و برتری آنها بر فرشتگان و ملائکه است.

راه حسین علیه السلام صراط مستقیم

در این میدان ظهور، موقف حسین علیه السلام و استقامت و پایداری آن حضرت، بی‌مانند است؛ آن موقف پر از مصیبات و عوامل بازدارنده‌ای که همه - حتی بر حسب زیارت ناحیه مقدسه - ملائکه را شگفت‌زده کرده که اگر این بشر است، پس این همه مردمی که اسیر هوا و هوس خود شده و بنده زر و مال و گرفتار ظلم، تجاوز، شرک و کفرند، کیستند؟! با چنین حُسن و ملاحظت اگر اینان بشرند ز آب و خاک دگر و شهر و دیار دگرند

این موقف، شرایطی بود که برای هیچ یک از انبیا و اولیا؛ نه آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و نه شخص اول عالم امکان، حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم و نه برای حضرت ابو‌الاولیا، امیر المؤمنین علیه السلام و نه برای سایر ائمه هدی علیهم السلام پیش نیامد و این موقف، مختص به خود آن حضرت بود و این ظهور و جلوه کرامت انسانیت تنها در این موقف، تجلی نمود.

هر انسانی که بخواهد از این موقف عظیم چیزی بگوید یا بنویسد اگر در اوج قدرت علمی و ادبی باشد، متحیر می‌شود که از کجا شروع کند و کدام یک از ابعاد بی‌منتهای این موقف الهی را مطرح نماید.

اگر کیهان‌شناسان، علمای هیأت، صاحبان معرفت و ارباب اطلاع از این جهان پهناور که تعداد کهکشان‌هایش را تا یکصد و بیست میلیارد هم شماره کرده‌اند و اگر دیگران و دیگران که در رشته‌های شناخت اجزای این جهان هستی از انسان، حیوان، کوه، دریا، نور، ذره و اتم و ... آگاه و با

اطلاع‌اند، در برابر قدرتی که این مخلوقات کوچک و بزرگ را آفریده، تکبیر و تهلیل و سبحان الله ربّ السموات والأرض می‌گویند. ما قدرت بی‌انتهای همان خالق کهکشانشان‌ها و جمیع عالم آفرینش را در خلقت حسین، صاحب آن همه عظمت‌ها هم می‌شناسیم و تسبیح، تهلیل و تکبیر می‌گوییم و «سبحان الذی خلق الحسین و اهل بیته و اولاده و اصحابه و انصاره» بر زبان جاری می‌کنیم.

ما خط حسین علیه السلام را، صراط مستقیم خط نجات و رستگاری می‌دانیم؛ خط جهاد، خط امر به معروف و نهی از منکر، خط مبارزه با کفر و بدعت، خط ایثار و فداکاری در راه حفظ اسلام، خط محکوم کردن رؤسای ضلالت و سران مروّج فسق، ملاحی و مناهی.

جایگاه عزاداری سید الشهداء علیه السلام

ما به این خط مشی‌ها و عزاداری‌ها و سوگواری‌ها برای حسین علیه السلام و به برنامه‌های سازنده و تعهد بخش عاشورا و مجالس روضه، به همه افتخار می‌کنیم و این مراسم را، البته در محدوده التزام به حفظ تمام ضوابط شرعی، همه ساله احیا می‌کنیم و با اسلام و دین و مذهب تجدید عهد می‌نماییم و همچنین عزاداری و گریه برای امام حسین علیه السلام و زیارت او را موجب مغفرت و آمرزش گناهان می‌دانیم و برای این برنامه‌ها، معانی عالی و تفسیرهای بلند داریم.

عاشورا و مسئولیت‌ها

باید با یاد و تذکر خاطره عاشورا و فداکاری‌های سید الشهداء و اصحاب بزرگوارش در راه اسلام و دفاع از دین و مسئولیت‌های مهمی که در برابر دین، قرآن و حضرت بقیت الله، امام عصر ارواح العالمین له الفدا داریم آشنا شویم و خود را برای پیروی از اهداف کربلا و مقاصد آن امام شهدا آماده سازیم. می‌دانیم که حسین علیه السلام با نادانی‌ها، گمراهی‌ها، ستم‌ها و با استضعاف و استعلا مبارزه می‌کرد. او با مقصد یزید و با هدف ابن زیاد و افکار خبیث اموی و یزیدی مخالف بود.

شیعه و دوستدار امام حسین علیه السلام باید این خط حسینی را همیشه احیا نموده و سرمشق عمل خود قرار دهد. این محرم و صفرها و این عزاداری‌هاست که اسلام را نگاه می‌دارد.

پیام سید الشهدا علیه السلام به جوامع انسانی

شعار

لیرغب المؤمن فی لقاء الله محقاً انی لا أرى الموت إلا سعادة ولا الحیاه مع
الظالمین إلا برماً^[31]

از برکت خون حسین تا ابد زنده است و ستمکاران و بی‌دینان و بدخواهان
بندگان خدا را محکوم می‌نماید.

فریاد آن حضرت که در آسمان و زمین پیچید و همه را به حفظ شرف و مجد
انسانیت خواند، اکنون هم بلند است و رساتر و کوبنده‌تر به گوش می‌رسد که
فرمود:

ألا و ان الدعی ابن الدعی قد رکز بین اثنتین بین السله و الذله و هیهات منّا
الذله أبی الله ذلک لنا و رسوله و المؤمنون و حجور طابت و طهرت و انوف
حمیه و نفوس ایبه من أن تؤثر طاعه اللثام علی مصارع الکرام^[32]

الله اکبر! این کلمات چقدر بلند و شور انگیز است! چقدر نفس انسانی باید
شجاعت داشته باشد و تا چه حد باید پایبند به عزت، کرامت نفس، صبر و
استقامت، رشد عقلانی و درک ملکوتی باشد تا بتواند در آن موقف که همه
عزیزانش در معرض مهلکه قطعی هستند و شریف‌ترین و عقیف‌ترین بانوان او در
خطر اسارت می‌باشند، چنین اعلام وجود و اظهار شخصیت و توانایی نفس و
قدرت روح نماید.

سلام الله علیک یا ابا عبدالله بأبی انت و أمی یا لیتنا کنا معک فنفوز فوزاً
عظیماً^[33]

حیات دین، مرهون شهادت حسین علیه السلام

ای حسین! اسلام از تو زنده شد و قرآن از تو محفوظ ماند. تو ارزش و بهای انسانیت را نشان دادی و کریمه «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^[34] را تفسیر کردی.

ای حسین! اسلام غیر از تو ناصر و یاور و نجات بخشی نداشت؛ تو را صدا می‌کرد و به تو شکایت می‌نمود و این تو بودی که به یاری اسلام شتافتی و گمراهی‌ها را برطرف کردی.

لقد بذلت مهجتك في الله واستنقذت عباد الله من الجهالة و حيره الضلالة^[35]
در آن اوضاع و احوالی که بنی امیه بر کشورهای اسلامی مسلط شده بود، تمام وسایل تبلیغی را برای منحرف کردن مردم از توحید و اسلام و از اهل بیت علیهم السلام و برای تجدید عهد جاهلیت به کار گرفته بود. سکوت مرگبار و تسلیم در برابر آن وضع ناهنجار و آن همه استکبار و تجاهر به معاصی و گناهان، که نمونه آن، همان یزید الخمر و یزید الفهود و یزید الفسق و الفجور بود، همه جا را فرا گرفته بود و تنها صدای حسین، که صدای اسلام و صدای قرآن بود، عالم اسلام را بیدار کرد و صدای دلنواز شوق و اشتیاق او به شهادت در راه خدا، احیاگر اسلام شد.

هشدار حسین علیه السلام

گویی حسین نیز مانند جدش صلاهی توحید سر داده و مثل این آیه را، که تبلیغات بنی امیه آن را از یاد مردم برده بود، بر آنها تلاوت می‌کرد:

قل إن کان آبائکم و ابنائکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال
اقترفتموها و تجاره تخشون کسادها و مساکن ترضونها احب الیکم من الله و
رسوله و جهاد فی سبیلہ فتربصوا حتی یأتی الله بأمره و الله لا یرید القوم الفاسقین

[36]

دوستی دنیا، دوستی پدران، فرزندان، برادران، همسران و خویشاوندان، اموال، تجارت و خانه و کاشانه، مردم را به سکوت و ترک امر به معروف و نهی از منکر و همکاری با سران کفر و جاهلیت کشانده بود. این امام علیه السلام بود که معنا و مضمون این آیه را دوباره به مردم تفهیم کرد و خود عملاً آن را با همت بلند و تصمیم الهی خلل ناپذیرش به کار بست.

آن روز، امروز، فردا و فرداها و در هر زمان و مکانی این خطر وجود دارد و هشدار قرآنی این است که اگر آنچه را که از کسان، وابستگان، مقام، ثروت و وسایل رفاهی دارید، از خدا، پیغمبر و جهاد در راه خدا بیشتر دوست می‌دارید، منتظر عذاب باشید.

مال و مقام و همه نعمت‌های دنیا بسیار عزیز هستند اما دین، اسلامیت، ولایت اهل بیت علیهم السلام و احکام خدا از همه عزیزتر می‌باشند.

شعار حسین علیه السلام

راه حسین علیه السلام، راه قرآن، راه عمل به احکام و راه افتخار به اسلام، توحید و ایمان به خداست، راه شرق و غرب و یمین و یسار نیست؛ راه افتخار به دوران های کفر و بت پرستی یا آتش پرستی و شرک یزدان و اهرمن و استکبار فرعون و نمرود و جمشید نیست.

راه حسین، راه ترویج فساد و نوازدگی، معاصی و ملامتی و فخر به این مسائل بیهوده نیست.

راه حسین، راه تجمل پرستی، اسراف، علو، گردنکشی و استحقار مردم نیست. شعار حسین و ابلاغش، ابلاغ قرآنی و مساوات میان زن و مرد در ارزش های حقیقی است؛

إن المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابرين و الصابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحافظین فروجهم و الحافظات و الذاکرین الله کثیراً و الذاکرات أعدّ الله لهم مغفرةً و أجراً عظیماً^[37]

در جامعه‌ای که از حسین علیه السلام پیروی می‌شود، این امور ارزش و افتخار است و زنان با مردان در این ارزش‌ها باید هم‌تراز و بلکه رقابت داشته باشند و مختلط شدن آنها با بیگانگان در مجالس و محافل، در دانشگاه و مدارس، در محل کار و مدیریت‌ها و مشاغلی که در ارتباط مستمر با بیگانگان است، با شأن و پارسایی و تربیت اسلامی زن مسلمان سازگار نیست و غرب زدگی، حاکی از ضعف هویت و شخصیت است.

فرصت تبلیغ و وظیفه روحانیت

در این ماه محرم و صفر، آقایان فضلا، علما، اساتید و خطبا در سخنرانی‌ها، مواعظ و منبرهایی که دارند باید توجه مردم را به این مطالب حیاتی جلب نمایند. یکی از برکات بزرگ حوزه مقدسه قم از آغاز تأسیس، همین بوده است که طلاب در فرصت‌های تبلیغی؛ مانند محرم، صفر و ماه مبارک رمضان برای تبلیغ دین به شهرها، روستاها و قصبات بروند و با مردم و مؤمنین ارتباط نزدیک برقرار نمایند و رشته ایمان و آگاهی همگان را به وظایف اسلامی و تعالیم دینی استحکام بخشند. در دوره طاغوت و اختناق رضاخانی این حرکت فداکارانه حوزه که با تحمل مشکلات و دشواری‌های سخت، توأم بود، دین، ایمان و اسلامیت این مردم خوب و عزیز را بیمه کرد. هر چه رژیم و نظام طاغوتی با زور و سرنیزه و تبلیغات، مردم را از دین، اسلام و تعهد به احکام باز می‌داشت - تا آنجا که رسوم آتش پرستی را در مدارس پایه‌گذاری کرده، پایکوبی و ستایش آتش را ترویج نمود و تعلیم ملامی را اجباری کرد و صدها نیرنگ دیگر به کار برد - همه از برکت این ماه محرم و این منبر حسینی و این محبت و علاقه جامعه به حسین علیه السلام، نقش بر آب شد و عاقبت هم همین برنامه‌های تبلیغی ریشه آن فساد را از بیخ و بن برکنند و رژیم را که می‌خواست به

جای ملیت و تاریخ اسلامی تاریخ خودش، تاریخ کوروش و آزادی صهیونیسم و ملیت آن چنانی را بر این ملت مقاوم و مسلمان تحمیل کند، سرنگون ساخت.

ارزش‌های حسینی و وظیفه ما

انتظار از همه طبقات، از مسئولین و مقامات نظام، متصدیان امر آموزش و فرهنگ، رسانه‌های گروهی و همه اقشار مردم و طبقات عزیز این است که همه با هم در حفظ این ارزش‌ها، که رمز موجودیت، استقلال، عظمت، اعتلا و آبروی این کشور است همکاری نمایند و نگذارند که اشخاص مشکوک در ارکان اتحاد این مردم و تعهد آنها به خط قرآن و اسلام رخنه نمایند و با عناوین مختلف، راه نفوذ بیگانگان و به خصوص سلطه فرهنگی آنها را باز نمایند.

و همه در راه حسین علیه السلام، که راه حیات و راه عزت و آزادگی حقیقی است همگام و همراه شده و هر چه بیشتر برای عظمت اسلام و مسلمین سعی و کوشش نماییم و این مدرسه عمومی و همگانی حسینی را - که کلاس‌هایش در همه جا و هر مکان برقرار است و عالم و جاهل، شهری و روستایی و زن و مرد را در برمی‌گیرد - بهتر و فراگیرتر و جامع‌تر از گذشته برگزار کنیم.

والسلام علی مولانا اَبی عبدالله و علی الأرواح التي حلت بفنائہ و علی شیعته و محبیه و من أبکی أو بکی أو تبأکی فی مصائبه و رحمة الله و برکاته ^[38]

4. عبرت‌های عاشورا

اشاره

قال الله تعالى لقد كان في قصصهم عبرة لاولى الالباب^[39]

السلام على مولانا سيدالشهداء منقذ الامة من الجهالة وحيرة الضلالة ابي عبدالله الحسين عليه السلام و على اولاده واهل بيته و اصحابه و انصاره. ثم السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

جامعه و عاشورا

با تشکر و تقدیر شایان از عزیزان فرزانه و عاشقان حسینی، برگزار کنندگان محترم همایش کشوری عبرت‌های عاشورا، حُسن انتخاب عنوان این همایش را به ایشان تبریک می‌گوییم.

همان گونه که از این عنوان استفاده می‌شود، یکی از شعب مهم و متعددی که محققان در واقعه بی‌نظیر و تاریخی عاشورا باید به تفصیل در آن بحث و بررسی نمایند عبرت‌های بسیاری است که از عاشورا برداشت می‌شود و پیام‌های حوادث و وقایع آن است که دانستن آنها برای همگان از هر طبقه سودمند، معرفت بخش و آموزنده است. تأمل در وقایع عاشورا هر چه ژرف‌تر و گسترده‌تر گردد، ثمرات فکری، تربیتی و ایمانی آن بیشتر خواهد بود.

جامعه به چیزی مانند این عبرت‌ها، پیام‌ها و درس‌های عاشورا نیازمند است؛ این پیام‌ها و عبرت‌ها باید به همگان ابلاغ شود؛ درمنابر، سخنرانی‌ها، مقالات و تألیفات و در ضمن اشعار و مرثیاتی باید تکرار گردد؛ باید عاشورا را با این معانی عالی و با این عبرت‌ها تبلیغ نمود، تا همگان به خصوص نسل آگاه جوان، درس‌های آن را برنامه عمل و حرکت خود قرار دهند. و لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم.

درس‌های عاشورا

امتناع امام از بیعت با یزید و سخنان آن حضرت در جواب ولید، حاکم مدینه و مروان و هجرت آن یگانه تاریخ از مدینه به مکه عبرت‌انگیز و پر از معانی و هدایت‌های عالی است. توقف آن حضرت در مکه معظمه نیز متضمن پیام‌هایی است که همه موضع شکست‌ناپذیر و غیر قابل برگشت آن حضرت را اعلام می‌کرد. خروج امام از مکه در زمانی که مردم از اطراف، بلاد و شهرها برای حج آمده بودند و آن خطبه تاریخی و پر از ابلاغ و ارشاد و انذار، عبرت‌انگیز، آموزنده و سازنده بود. اعزاز شخصیتی مانند مسلم بن عقیل و پذیرفتن دعوت مردم کوفه و حوادثی که در کوفه اتفاق

افتاد و به شهادت حضرت مسلم منتهی گردید و اتفاقاتی که بین راه مکه تا کربلا و روبه روشن شدن با حر واقع شد و آن خطبه رسا متضمن آن جمله‌های پر از پیام و احیاگر روح غیرت و شهامت که هر صاحب بصیرت را تکان می‌دهد، هشیار و بیدار باشی است که تا این زمان و زمان‌های بعد، عالم انسانیت را بیدار و آگاه می‌سازد و این جمله مقاومت آموز آن

انی لا اری الموت الا سعادة ولا الحیاة مع الظالمین الا برماً^[40]

همواره باید ورد زبان مردم آزادی خواه و ستمستیز باشد. اقتدای حر به امام در نماز، عاقبت خیر و فرجام کار او درس عبرت است. ملاقات امام با عیب‌الله حرجعی و خودداری او از قبول دعوت امام و گرایش و انقلاب فکری زهیر در یک ملاقات کوتاه با امام نیز عبرت و راهنمای مردم بر گزینش آخرت بر دنیا، و شهادت و حیات جاودانی بر حیات فانی است.

باوفاترین اصحاب

ورود امام به کربلا همراه با اهل بیت، آن شخصیت‌هایی که برای خدا، خلقی و بنده‌ای عزیزتر از آنها در روی زمین نبود، ملحق شدن افرادی معدود از نخبگان و فرهیختگان عالم اسلام به آن حضرت، مواضع اصحاب تا روز عاشورا، نیل به شهادت، شور و شوق و استقامت و پایداری آنها که اگر جانشان هزار جان بود و جان‌نثاری در راه دین و نصرت امام هزار بار بیشتر ممکن بود شیفته و مشتاق آن بودند، همه برای عالم انسانیت، عبرت،

درس و دستور زندگی شرافتمندانه و خداپسندانه است. مواقف بی‌مانند و حساس و استقبال آنان از تیغ، تیر، شمشیر، مرگ و شهادت، موقف حبیب، موقف عابس، موقف مسلم بن عوسجه، مواقف آن رجال بی‌نظیر که خود امام در وصف آنها فرمود: «من اصحابی با وفاتر و نیکوکارتر از اصحاب خود نمی‌شناسم»^[41]، مواقف بنی‌هاشم، موقف و بلکه مواقف حضرت ابی‌الفضل، موقف حضرت علی اکبر و موقف قاسم هر کدام مواقفی است که تاریخ بشریت به آن افتخار می‌نماید و آیه کریمه:

انی اعلم ما لا تعلمون^[42]

را تفسیر می‌کند. در این میان، مواقف بانوان هم بزرگ و عظیم بود؛ همه کوه استقامت و صبر و تحمل، ذلت ناپذیر، پا برجا، امیدوار بر غلبه حق و موفقیت خود و مغلوبیت حقیقی دشمن بودند.

عبرت از سپاه سیاه

آن سی هزار یا بیشتر لشکر خون آشام، اگر چه همه اصحاب را به شهادت رساندند اما از رخنه در قدرت روحی آنها ناتوان ماندند. این مواضع برای بشر، عبرت است باید در طول قرون و اعصار بگویند و بنویسند، در مدرسه‌ها و مکتب‌ها این ایستگاه‌های درخشان را بیاموزند و درس بدهند تا بشر، خود و گوهر پاکش را بشناسد و خود را به جیفه دنیا نفرشد و معنای این کلام بزرگ علوی را درک کند:

الا حرّ يدع هذه اللماظة لاهلها انه ليس لانفسكم ثمن الا الجنة فلا تتبعوها الا

بها^[43]

آفتاب نینوا

اما زبان و قلم از بیان عظمت موقف شخص الهی امام عجل الله فرجه و آن قهرمان بزرگ فضایل ملکوتی، خصایص قدوسی و مقامات سبوحی، عاجز و ناتوان است و مثل توصیف ذره و کمتر از آن از آفتاب جهان تاب، و سراب از اقیانوس‌های آب است. نواحی عظمت و موجبات بصیرت و عبرت در وجود امام، کار، قیام، مواضع و مواقف عالی و متعالی آن حضرت، بسیار و بی‌شمار است. اتصال قدرت امام به قدرت لایزال الهی در آن موضع‌گیری‌های محیر

العقول مشهود است و حقیقت معنای صانع «وجهاً واحداً یکفیک الوجوه» از آن ظاهر و معلوم است.

در این سیر الی الله، اوج علو قدر انسان خلیفه الله که از ملائکه، ارفع و انبل است آشکار می‌گردد. حقیقت آن سیر و حرکت، سیر به سوی کمال بی‌نهایت و تقرب بیشتر و بیشتر از کسی بود که حائز عالی‌ترین رتبه کمال و تقرب به اوست.

تمام آن چه افتخار انسانیت است؛ مانند ایمان، اخلاص، صبر، ایثار، پاسداری از شرف، عزت، حمیت، حقوق ضعفا، نفی استبداد، ظلم، استکبار و استحقار عبادالله در این برنامه الهی درخشان است.

امام علیه‌السلام و بیداری انسان

امام علیه‌السلام برای حفظ دین خدا و نجات امت، مصائب جانکاهی را از داغ جوانان و برادران، اسارت بانوان و شهادت اصحاب، پذیرا شد و میان آخرت، دنیا، خدا، خلق، عزت و ذلت و در نهایت میان بهشت و دوزخ و بین شهادت خود و همه بستگان عزیز اسارت اهل بیت و بیعت و تسلیم، مخیر شد و با آن تصمیم قاطع و عزم راسخ و غیر قابل بازگشت، خدا، قرآن، اسلام و حمایت از حقوق جامعه و شهادت خود و همه آن مصیباتی را که هر کدامش برای اینکه تهمتن‌ترین افراد را به تسلیم وادار کند، اختیار فرمود و صدای بلند و رسای او

أَلَا إِنَّ الدَّعِيَ بْنَ الدَّعَى قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ
يَأْتِي اللهُ لَنَا ذَلِكَ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ حُجُورٌ طَابَتْ وَ ظَهْرَتْ وَ أَنْوْفٌ حَمِيَّةٌ وَ
نُفُوسٌ آبِيَّةٌ مِنْ أَنْ تُؤْتَرَ طَاعَةَ اللّٰثِمِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ^[44]

عالم به خواب خفته اسلام را بیدار کرد.

قهرمانان عرصه بلا

درس‌های بزرگ و حیات بخشی که طی ظهور این استقامت و مقاومت به مردم داده شد هر یک بی‌نظیر بود؛ در ارتباط با اصحاب و انصار و شهادت یکایک آنها، شهادت جوانان بنی‌هاشم و جوان عالیقدری مانند علی‌اکبر با آن اوصاف و شمایل پیغمبری و برادری چون ابوالفضل العباس و شهادت کودکان و اطفال در هنگام وداع با اهل بیت علیهم‌السلام و هنگامه‌های جانگداز دیگر، مناظر و مشاهدی بودند که همه نشان آن بود که قهرمان این صحنه از قدرت و قوتی برخوردار است که هیچ نیرو و قوه مادی و هیچ مصیبت، فشار، قساوت و جنایتی - هرچند دلخراش و غیر قابل تحمل باشد - بر او غالب نمی‌شود و او را از هدف مقدسی که دارد باز نمی‌دارد. اینها همه عبرت است و برای بشریت درس حیات، شرف، ایمان و استقامت.

پیام آوران عاشورا

وقایع بعد از شهادت و اسارت اهل بیت علیهم السلام و حضور آنان در مجلس ابن زیاد و یزید و فرصت‌های دیگر، عبرت‌انگیز، سرمشق، آموزنده و سازنده است. آن پاسخ‌های شجاعانه و پرمعنای حضرت زینب به ابن زیاد و خطبه تاریخی آن حضرت در مجلس یزید که از معجزات بزرگ به شمار می‌رود برای همیشه عبرت است؛ حقایقی که در این خطبه در چنان مجلسی بیان فرمود و توییح و تحقیر قدرتمندانه یزید، نیروبخش مظلومان در برابر ستمگران است. خطبه حضرت سجاد علیه السلام و درنهایت پیامدهای واقعه جانسوز عاشورا مانند «واقعه تواین» و استمرار یاد این

افتخارات که تا عصر ما و اعصار آینده به صورت مجالس روضه و هیئت‌های عزا ادامه می‌یابد برای بشریت عبرت است و دلیل قدرت حق و سستی باطل می‌باشد.

ذلک بان الله هو الحق و انّ ما یدعون من دونه الباطل و انّ الله هو العلی
الکبیر^[45]،

لقد کان لقصصهم عبره لا ولی الالباب^[46]

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین سلام الله و صلواته علی مولانا ابی عبدالله الحسین سید الشهداء و ابی الاحرار الذی بذل مهجته فی الله حتی استنقذ عباده من الجهالة و حیرة الضلالة و سلامه علی اهل بیته و اولاده و اصحابه^[47]

از عاشورا تا ظهور

اشاره

قال الله تعالى: و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً^[48]

ابعاد یک حادثه عظیم

واقعه جانسوز عاشورا و شهادت حضرت سید الشهداء، حادثه‌ای عظیم، یگانه و منحصر به فرد است که نظیر آن در تاریخ، نه قبل از آن واقع شده و نه بعد از آن اتفاق خواهد افتاد.

ابعاد و جوانب بسیار آن به حدی است که ورود در هر کدام موجب آگاهی از جوانب جدید و بیشتر می‌گردد؛ در حوادث گذشته و آینده نقش و اثر داشته و دارد و حتی می‌توان حوادث قبل از آن را هم با نگاه به این واقعه بررسی و مطالعه کرد.

البته این حادثه از لحاظ اسرار و نکات مخفی، آن قدر عظیم است که آنچه از آن ظاهر است با آنکه در اوج عظمت قرار دارد، در برابر آنچه از آن پنهان است قابل قیاس نیست، و چنان تکان بزرگی به عالم داد که هیچ‌گاه آرام نخواهد گرفت و مانند جرم آسمانی بزرگی است که در اقیانوس بیکران هستی بیفتند و موجی مناسب آن به وجود آید که همواره در طول قرون و اعصار با شفافیت بیشتر در گسترش می‌باشد.

جلوه‌های عاشورایی

عاشورا در همه حوادث، به خصوص وقایع عالم اسلام، نقش دارد. وقایعی که بیان تفصیل و تحلیلات تاریخی آنها به بررسی‌های عمیق و وسیع، نیاز دارد؛ وقایعی که از اعتراض آن زن از بکر بن وائل، ثوره توابین، شهادت سلیمان بن سرد و چهار هزار نفر از قیام‌کنندگان با او، قیام مختار و حتی آغاز دوره تسلط عبدالله بن زبیر شروع شد و تا به امروز و در عصر ما، انقلاب اسلامی و سقوط حکومت ضد عاشورایی رضا خان و پسرش ادامه پیدا کرد، و سرانجام خدا می‌داند که تا کی و در چه زمان و عهد قریب یا بعید و پس از چه وقایع تاریخی دیگر، به قیام جهانی و ظهور حضرت مهدی موعود علیه السلام منتهی خواهد شد.

تأثیر عاشورا بر مواضع ائمه علیهم السلام

ظهور شخصیتی مانند حضرت امام زین العابدین علیه السلام، با آن سیره و جلوه، قلوب دوست و دشمن را مسخر ساخت و مانند عمر بن عبد العزیز - که آن حضرت را سراج دنیا و جمال آخرت می خواند - اگر چه جلوه ملکوتی آن امام، خود به خود و در نهایت تمامیت و کمال، جهان را نورانی

می کرد واقعه عاشورا و نور جهانتاب حسینی نیز بر زینت و نورانیت آن افزود و درخشندگی آن را مضاعف تر کرد.

عاشورا همچنین در مواضع حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام اثر گذاشت و با اینکه خود آن مواضع، پر از روح و حیات بود، در روح و حیات مواضع آنها نیز تجلی داشت؛ بر عزت، محبوبیت و تأثیر بیشتر مظلومیت حضرت موسی الکاظم علیه السلام و موقف جهانتاب حضرت عالم آل محمد صلی الله علیه و آله افزود و به طور کلی همه مقامات و ظهور درجات ائمه طاهرین علیهم السلام از آن استقامت پر معنای حسینی علیه السلام، آن همه صبر و تصمیم متعالی، جلوه و جذابیتی خاص یافتند و در عین حالی که همه در کمال تمامیت بودند، اما همگی به هم پیوسته و به شکل بزرگ ترین واحد نورانی کثیر الانباء و کثیر المفاخر و المآثر متجلی شدند و هنوز هم در تجلی هستند.

رابطه عاشورا با حکومت مهدوی

در مورد رابطه انتظار، ظهور، غلبه مطلق حق بر باطل، نصرت اسلام، حکومت واحد اهل بیت علیهم السلام در آخر الزمان و قیام آن یگانه جهان و نادره دوران و نابغه اعصار و ازمان، با عاشورا و آن نهضت الهی و بروز آن قدرت معنوی و حقیقی نیز علاوه بر نکته‌های گفته شده، درس‌ها، فلسفه‌ها و اسرار ناگفته بسیار است.

می‌توان گفت یک هدف از برقراری حکومت جهانی حقه به دست یداللهی حضرت مهدی علیه السلام، تدارک و جبران ظلم و ستم‌های وارد بر اهل بیت علیهم السلام، مصائب جانکاه، تحقق وعده‌های الهی و بلکه عکس‌العمل تحمل آن مصائب در راه دین و دفاع از اسلام می‌باشد که بر

حسب آیات و روایات است؛ اگر چه در این دنیا و عالم کوچک، تدارک پاداش و ثواب عاشورای حسین علیه السلام فراهم نیست اما در جهان وسیع و پهناور آخرت به گونه‌ای که مقتضای صفات جمال و کمال الهی است، برنامه وافی و کافی آن اجرا خواهد شد و جایگاه رفیع و بلند روز عاشورا در بُعد و معنا و جلوه خودش که جز در آن عالم، ظهور و نمایش نمی‌پذیرد، آشکار خواهد گردید.

متأسفانه قلم و بیان ما از توصیف آن مطالب، اعزاز و اکرامی که خدا از حسین علیه السلام می‌نماید و همچنین بیان روابط عاشورا با قیام حضرت بقیةالله ارواح العالمین له الفداء عاجز و ناتوان است و هر مقدار که هر کس بگوید، از حد درک خود و درکی که از این معانی در این جهان ممکن است، بیشتر نخواهد

بود. برای آشنایی با مقام جلال و جمال و تقرب حضرت سیدالشهداء علیه السلام به حضرت ذوالجلال والاکرام و تماشای جلوه نورانی حسین علیه السلام در روز عاشورا، که هر چه مصیبات آن حضرت افزون تر می‌گردید بر جمال جسمانی‌اش نیز افزوده می‌شد، باید منتظر آن روز و جهان آینده باشیم. اگر چه از درک حقیقت ربط روز حسین و روز مهدی علیه السلام در افق بلند و متعالی آن عاجزیم؛ لیکن از بعضی جمله‌های احادیث و زیارات و ادعیه، نکاتی استنباط می‌شود که آموزنده و در سطحی بسیار عالی آن را معرفی می‌نماید. حتی استمرار ولایت و امامت که منتهی به امامت حضرت مهدی علیه السلام می‌شود مرتبط به شهادت سید الشهداء علیه السلام معرفی می‌گردد و این یک معنا و سرّی است که علاوه بر آنکه از بُعد معنوی دارای اهمیت خاص است از ابعاد دیگر مثل جامعه‌شناسی نیز موجه و مثبت است.

از عاشورا تا رجعت

ارتباط دیگر عاشورا با آخر الزمان و ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام مسئله رجعت است که بر حسب آن، دشمنان اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً قتله سید الشهداء علیه السلام و کُشدگان اصحاب بزرگوار آن حضرت و ستمکاران و کسانی که به اهل بیت علیهم السلام ظلم کرده‌اند و هم چنین شخص آن حضرت، با اصحاب و انصار عالی‌مقام و کسانی که خدا می‌خواهد، به دنیا رجوع می‌نمایند، و قتله سید الشهداء علیه السلام و ظالمان دیگر، عواقب سوء دنیوی اعمال خود را می‌بینند. در این ظهور، عنایات الهیه بر اهل ایمان و شیعیان ظاهر می‌شود و برکات زمین و آسمان آشکار می‌گردد. از بینش دیگر می‌توان تأویل کامل آیاتی چون: «و نرید نمّ علی الذین استضعفوا...»^[49] را همان رجعت علوی و حسینی دانست و کلام معجز نظام امیر المؤمنین علیه السلام را که فرمود:

لتعطفن الدنيا علينا بعد شماسها عطف الضروس على ولدها و تلا عقیب ذلک و نرید أن نمّ علی الذین...^[50]

به همان معنای ظاهر آن دلیل دانست و از آنجا که این عطف دنیا نسبت به شخص آن بزرگواران، محقق می‌گردد، معانی آیه «وعد الله الذین امنوا منکم...»^[51] و آیات دیگر و خروج دابة الارض - که به امیر المؤمنین علیه السلام تفسیر شده - عینیت می‌یابد.

انتظار فرج، انتظار تحقق همه این وعده‌های قرآنی و وحیانی است. هم انتقام از اعداء الله و اعداء آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین گرفته می‌شود؛ و هم از بازماندگان فکری و اعتقادی آنها، که در عصر ظهور وجود دارند؛ همان‌ها که به

یزید و معاویه و دیگران از اعدای اهل بیت علیهم السلام افتخار می‌کنند و در مثل زمان ما کتاب «حقائق عن امیر المؤمنین یزید بن معاویه» می‌نویسند و کتاب «العواصم من القواصم ابن عربی» را نشر می‌دهند و بر آن شرح و تعلیق می‌نویسند.

آخر الزمان عنوان و اصطلاح وسیعی است که ما در انتظار آن هستیم و برنامه‌های گسترده‌ای که در آن زمان، اجرا خواهد شد، همه در مسیر جهانی شدن حق و پیروزی مطلق آن بر باطل و قلع و قمع اعداء الله و اعداء الرسول و اهل بیت و النواصب می‌باشد، البته ظهور حضرت مهدی علیه السلام و حکومت عدل جهانی آن حضرت به مثابه هسته مرکزی آن وقایع است و همه ما در زیارت عاشورا آن ظهور و حضور را از خدا مسئلت می‌نماییم.

ظهور، استمرار عاشورا

به تعبیری می‌توان گفت که ظهور و رجعت، همه مکمل بعثت و واقعه ولایی - تاریخی غدیر و برنامه‌ای است که سید الشهدا علیه السلام اجرا فرمود. از بعضی روایات و القاب آن حضرت و از پیوستگی این معانی و ربط این برنامه‌ها با سیره و عمل شخص حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ائمه طاهرین علیهم السلام و حضرت صدیقه علیها السلام آشکار می‌شود که آنها در عین استقلال، با هم مرتبط بوده و هدف از همه، تحقق اغراض الهی است. «لا يعلم تفاصيلها وعظم ما فيها من الاسرار الا الله والذين اختصهم به».

سخن را در این موضوع کثیر المطالب و وسیع الابعاد آنها با روایتی به پایان می‌رسانیم که در آن فضل نصرت سید الشهدا علیه السلام به نصرت حضرت مهدی علیه السلام تشبیه شده است و از آن استفاده می‌شود که ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه همان موقف آن امام مظلوم است.

روایت را خود حضرت امام حسین علیه السلام در ضمن خطبه‌ای بر حسب بعضی کتب مقاتل انشا فرموده‌اند. آن حضرت از جد بزرگوارشان حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت فرموده است به این لفظ

قال علیه السلام و من واسانا بنفسه كان معنا غداً في الجنان نجياً من غضب الرحمان و قد قال جدی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ولدی حسین یقتل بطف کربلا غریباً و حیدراً عطشاناً فریداً فمن نصره فقد نصرنی و نصر ولده القائم ^[52] و ^[53]

فصل سوم: رسالت عاشورایی ما

اشاره

. پاسداری از شعائر حسینی

اشاره

ذلک و من یعظم شعائر الله فاتّھا من تقوی القلوب^[54]

ارزش حفظ شعائر

از بزرگ‌ترین شعائر تشیع و ولای اهل بیت رسالت ﷺ اقامه مراسم عزاداری و سوگواری برای حضرت سید الشهداء، ابی عبد الله الحسین علیه الصلاة والسلام و کحل الله ابصارنا بتراب مقدم زوار حرمه می‌باشد. این شعائر، شعائر الله، شعائر اسلام، شعائر مجد و عظمت موحدین و خداپرستان و معالم انسانیت است. تعظیم این شعائر هر چه باشکوه‌تر انجام شود، دل‌ها را بیشتر و بیشتر به خلوص نیت، صبر، استقامت و فداکاری در راه احیای حق و اعلاّی کلمه اسلام نائل می‌سازد و ظلم، استبداد، شرک و استضعاف را محکوم می‌نماید. مکتب جهاد و مدرسه عظمت‌های انسانی در این شعائر زنده می‌شود و فریاد حسین ﷺ

انی لا اری الموت الا سعادت ولا الحیة مع الظالمین الا برما^[55]
بدن های مستکبران را می لرزاند و ارکان استکبار آنان را منهدم می سازد.

درس عزت

شعائری است که در طول تاریخ به انسان ها درس می دهد که سربلند، عزیز و با افتخار زندگی کنید و به ذلت، پستی و هر چه دون شأن انسانیت است تن در ندهید و همگان، همیشه در هر جا و هر مکان با بزرگ مجاهد آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین و رهبر آزاد مردان جهان، ابوالشهداء و سید الاحرار فریاد «هیئات من الذلة» را سر دهید و به خواری و دون همتی گردن ننهید که علی علیه السلام، امیر مؤمنان، پدر بزرگوار حسین علیه السلام فرمود:

الا حر يدع هذه اللماظة لأهلها انه ليس لأنفسكم ثمن الا الجنة فلا تتبعوها الا
بها^[56]

اگر می خواهید به پیشتازان صحنه شهادت کربلا تأسی کنید خود را به غیر از خدا، ثواب خدا و بهشت خدا نفروشید.

بایدهای مراسم حسینی

این شعائر به هر صورت و به هر مظهر و جلوه‌ای اقامه شود، مقدس است و برگزارکنندگان آن، مورد ستایش و تحسین خواهند بود. با این شعائر می‌توان دعوت اسلام را بیش از پیش جهانی کرد و دنیا را مجذوب حقایق این دین حنیف نمود.

به طور یقین حضرت بقیة الله ارواح العالمین له الفداء در بعضی از این مراسم شرکت فرموده و با عزاداران حسین علیه السلام همکاری کرده‌اند.

بدیهی است این مراسم و شعائر باید تا آنجا که ممکن است از ریا، شوائب، هرگونه عمل نامشروع و حرام پاک و منزّه باشد و همه جلوه‌های آن، جلوه‌های حمایت از حق، امر به معروف و نهی از منکر و کوبیدن باطل و معصیت باشد.^[57]

اشاره

السلام عليك يا ابا عبدالله و على ارواح التي حلت بفنائك اشهد انك بذلت مهجتك في الله حتى استنقذت عباده من الجهالة و حيرة الضلالة و احييت نظام الدين صلوات الله عليك و على اهل بيتك و اصحابك و رحمة الله و برکاته^[58] مکتب حیات‌بخش حسینی عليه السلام اگر چه در دوره سال و هر زمان و هر مکان به روی شیفتگان اهل بیت عليهم السلام باز است و در طول سال، برکات آن مورد استفاده است، اما در ماه محرم و صفر و به خصوص عاشورا و اربعین به طور گسترده و با وسعتی بی‌نظیر گشایش یافته و همه را از پیر و جوان، زن و مرد، شهروندان و روستاییان به سوی خود جلب و

جذب می‌نماید و به شکل یک دانشگاه عام خود برخاسته با صدها هزار مجلس درس و تعلیم و تربیت و ده‌ها هزار معلم و مربی تشکیل می‌شود و دانشمندان طراز اول و علمای علوم و فنون و سایر طبقات زیر پوشش آن قرار گرفته و به کسب فیض از آن نائل می‌شوند. سخن گفتن پیرامون این مکتب الهی و فواید و منافع آموزشی و پرورشی آن و امکاناتی که برای بهره‌گیری‌های بسیار بزرگ در ساخت سالم‌ترین و بهترین جوامع انسانی در آن وجود دارد به تألیف کتاب‌ها نیاز دارد.

پیام مکتب حسین

مکتب حسین علیه السلام مکتب حیات و مکتب کمال و مکتب آگاهی و بصیرت، مکتب عزت، شهادت، اخلاق، معرفت، ایثار، فداکاری، حق، ایمان، توکل و اعتماد به خداوند متعال است. پیام‌های عالی آن، همه انسان‌ساز، پیشتاز، افتخارآفرین، دلربا و دلنشین است. اسرار بزرگی که در آن است عقول عالیه را متحیر نموده و بسیاری از غوامض مطالب انسانی را در عالم آفرینش، تفسیر می‌نماید و عظمت مقام انسان که از همه مخلوقات بالاتر و بهتر است را آشکار می‌گرداند؛

لقد كان في قصصهم عبرة لاولى الالباب^[59]

در اینجا نمی‌خواهیم و نمی‌توانیم که پیرامون این معانی عالی سخنی بگوییم؛ هزارها مقاله و کتاب نوشته و گفته شده و هر چه بگوییم باز هم مجال سخن گفتن گشوده است.

این شرح بی‌نهایت کز وصف یار گفتند حرفی است از هزاران کاندید عبارت آمد

حوزه علمیه در خدمت مکتب عاشورا

حوزه علمیه کهنسال قم، در این دوره جدید که از سال 1340 هـ. ق به همت مرحوم آیت الله العظمی حائری قدس سره بازگشایی شد در کنار برنامه‌های تحصیلی، علمی و تحقیقی و تربیت اساتید بزرگ، علما، آیات، مراجع، مؤلفان، گویندگان، وعاظ و مبلغان لایق، موضوع تبلیغ و نشر معارف دین و آثار و احادیث اهل بیت علیهم السلام و آشنا کردن جوامع شهری و روستایی و خلاصه همه جامعه را با احکام اسلام نیز نصب العین قرار داد و در این راه با استفاده از مکتب حسینی و علاقه باطنی و پاک مردم به ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام به خصوص واقعه جانسوز کربلا بهره‌ها گرفته و علاوه بر ماه مبارک رمضان فرصت‌های دیگر در ماه محرم در پرتو بیان مصائب آن حضرت و مقاصد نهضت بی‌نظیر کربلا، این مدرسه الهی هدایت و ارشاد، در طول بیش از هشتاد سال که از عمر با برکت آن می‌گذرد، خدمات تبلیغی خود را ادامه داده است و در برابر انحرافات، کج‌روی‌ها، کج‌فهمی‌ها، بدعت‌ها و اختناق‌های مثل اختناق رضاخانی، ایستادگی‌ها نموده و مواضع و مقاومت این حوزه در ابطال باطل و حفظ عقاید جامعه همواره مؤثر و کارساز بوده است.

اکنون که محرم سال 1423 هـ. ق را استقبال می‌نماییم، به همان شیوه مرضیه، علما، فضلا، طلاب عزیز، خطبا و مبلغان حوزه برای ایفای نقش و مسئولیت‌های بزرگی که روحانیت در رساندن احکام، هدایت، تبلیغ، احیای شعائر اسلام و معارف مکتب راستین تشیع و ولایت به عهده دارند، عازم بلاد، قراء، قصبات، نقاط دور دست در داخل و خارج ایران می‌باشند؛

از خداوند متعال برای همه توفیق و تسدید و عنایات خاصه آقایشان و آقای همه، حضرت بقیة الله، ارواح العالمین له الفداء را مسئلت می‌نمایم. امید است همه به فتوحات بزرگ نائل شده و با همکاری امت عزیز و مخلص و شیعیان پاکباز حضرت سید الشهداء علیه‌السلام، مراسم و شعائر عاشورای حسینی و ماه محرم امسال باشکوه‌تر و پربارتر از سال‌های گذشته برگزار گردد.

نکاتی در باب تبلیغ عاشورا

حقیر مناسب دیدم بعضی نکات را که شاید از نظر خود آقایان و بسیاری از دیگران پنهان نباشد تذکراً به عرض برسانم:

حفظ هویت اسلامی

1. اوضاع و احوال چنان پیش آمده است که رویارویی تازه‌ای بین اسلام و کفر را نشان می‌دهد؛ انقلاب اسلامی ایران، احیای تفکر اسلامی، گرایش مسلمانان به استقلال اسلامی و بازگشت به مجد و عظمت دیرین و خلاصه بیداری و هشیاری فراگیر به خصوص در طبقه جوان و تحصیل‌کرده و موارد دیگر موجب شده که دشمنان اسلام، که تقریباً پس از جنگ جهانی اول بر کشورهای پهناور اسلامی مستقیم یا غیر مستقیم مسلط شده و آنها را با تشکیل حکومت‌های دست‌نشانده زیر نفوذ خود قرار داده بودند، از قطع نفوذ و سلطه خود بیمناک شوند و از این رو در مقام معارضة و کوبیدن مسلمانان و صدای اسلام خواهی برآمده و با تبلیغات گسترده و وسایل گوناگون ظاهری و سرّی،

سیاسی و اقتصادی و حتی توسل به نیروی نظامی، با تمام توان عمل می‌کنند.
باید مسلمانان را به استقامت، صبر، پایداری و

امیدواری به نصرت خدا و غلبه بر اعدا، تشویق و ترغیب نمود.

از امور مهمی که باید هر مسلمان آن را وظیفه بزرگ و اساسی خود بداند،
حفظ هویت اسلامی است که همواره و به خصوص در این قرن اخیر، تغییر یا
خدشه‌دار شدن و کمرنگ شدن آن را دشمنان، سیاست اصلی خود برای تسلط
بر مسلمانان و از بین بردن استقلال اسلامی می‌دانند؛ ضدیت با هویت اسلامی را
در همه رشته‌ها و شعب مختلف تمدن اسلامی فعال کرده و کم و بیش در
کشورهای اسلامی به تضعیف آن به طور رسمی با تغییر آن نائل شده‌اند.

غرب‌گرایی و پیروی از عادات و رفتار غربی‌ها و تقلید از آنها حتی در لباس
و امور به ظاهر کوچک تا برسد به امور مهم مانند ترویج اختلاط زن و مرد،
عنوان‌ها و شعارهایی مثل رفع تبعیض از زنان یا به بهانه آزادی بیان و آزادی
مطلق، بعضی احکام شرع را زیر سؤال بردن و ترویج موسیقی، نوازندگی،
ملاهی، تشویق فراوان به اصطلاح خودشان از هنرمندان بی‌اعتنا به شرع و تنازل
از شعارهای اسلامی، همه حرکت به سوی تغییر هویت اسلامی یا تضعیف آن
می‌باشد.

باید به مسلمانان هشدار داده شود که به خطرات این گرایش‌های غرب
مآبانه که متأسفانه گسترده می‌شود، توجه داشته باشند و هویت اسلامی‌شان را از
جان خود هم عزیزتر بدانند و در همه جا و در همه مواضع به آن ملتزم و متعهد
باشند و به آن افتخار کنند؛ به اسلام، به قرآن، به تشیع، به ولایت ائمه علیهم
السلام افتخار کنند و تمدن و اخلاق اسلامی را برتر از هر تمدن، اخلاق و
مدنیت بدانند.

ما به عزت تشیع، عزت عزاداری سید الشهداء علیه السلام، به اصحاب آن حضرت، به حضرت عباس، به حبیب بن مظاهر، به مسلم بن عوسجه، و به حجر بن عدی و مفاخر بزرگ اسلام و تشیع، به همه افتخار می‌کنیم.

ولله العزة العزة لله و لرسوله و للمؤمنين^[60]

شناخت اقلیم‌های تبلیغی

2. بدیهی است درسخرانی‌ها و منابر و مطالب، حدیث شریف و پرمعنای
حدثوا الناس بما يفهمون او يعرفون ولا تحدثوهم بما لا يفهمون او لا يعرفون^[61]

دستورالعمل است و مقتضای بلاغت در کلام و تکلم به مقتضای حال نیز همین است و برنامه انبیا علیهم السلام در تبلیغ نیز همین بوده و مناسب این است که در هر منطقه و ناحیه‌ای بررسی فرموده و نقاط ضعف دینی و مذهبی را، اگر در آنجا وجود دارد، شناسایی نمایید و به نحو شایسته در سخرانی‌ها رفع آن نقاط ضعف را در نظر داشته باشید.

ارتباط با جوانان

3. با جوانان و نوجوانان عزیز به ویژه دانش آموزان و دانشجویان ارتباط برقرار نمایید و به گرمی از آنها استقبال و پذیرایی کنید و با حوصله به پرسش‌ها و مطالب آنان گوش فرا داده و پاسخ دهید.

تقارن عاشورا و نوروز

4. امسال، آغاز سال جدید قمری با نوروز مقارن شده است، در این مورد هم باید هویت اسلامی، تشیع و عزای حسینی، با همان رنگ و مظاهر و ظواهر مشروع همه ساله، بلکه بیشتر و باشکوه‌تر برگزار شود و حال مصیبت، عزاداری و سوگواری به کارهای معمول نوروزی معشوش نشود و مبارکی و میمنت سال جدید قمری و شمسی از برکت مراسم عزاداری بیمه گردد و ان شاء الله تعالی با خیر و عاقبت و موفقیت مقرون باشد.

البته در مراسم عزاداری هم باید جداً از ملاحی و مناھی، که از موانع قبولی این شعائر بزرگ مذهبی است خودداری شود.

امید آنکه همگان در تعظی شعائر دین و سعی در اعلاّی کلمه اسلام و عزت مسلمین مؤید و منصور باشیم.

بحق محمد و آله الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين.

والسلام على الحسين و على بن الحسين و على انصار الحسين و على

الذين يعظمون ولاء الحسين و يتبعون صراط الحسين و رحمة الله و برکاته^[62]

رسالت ذاکران اهل بیتعلیهم السلام

اشاره

قال الله تعالى «و من أحسن قولاً ممن دعا إلى الله و عمل صالحاً و قال إني من المسلمين»^[63]

السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الأرواح التي حلت بفنائک

السلام علی المهدي الطالب بدم المقتول بکربلا^[64]

دانشگاه عاشورا

این روزها و شب‌ها و ساعتی که می‌گذرد و ما را به سوی ماه محرم 1428 نزدیک می‌کند، یادآور روزها و شب‌هایی است که سیدالشهدا علیه‌الصلاة و السلام، راه لقاءالله و انجام یکی از بزرگ‌ترین مأموریت‌های الهی را طی می‌فرمود و به استقبال ماه محرم، روز عاشورا و آن رستاخیز بزرگ و فداکاری بی‌نظیر برای نجات بشریت و حفظ دین می‌رفت. در آن مواقف و مقامات که کم‌ترین مصیبت‌های آن برای این بود که افراد نیرومند را در برابر دشمن به تسلیم و قبول ذلت و اداری سازد، امام علیه‌السلام اوج عظمت مقام انسانیت را به جهانیان نشان داد. همه به استقبال محرم می‌رویم و در دانشگاه جهانی حسین علیه‌السلام، که در تمام عالم، مدرسه‌ها، دانشکده‌ها و کلاس‌های آن تشکیل می‌شود، از پیر و برنا، زن و مرد، عالم و جاهل، استاد و دانشجو و شهرنشین و صحرائنشین در آن با کمال خضوع و خلوص شرکت جسته و درس

ها و پیام های انسان ساز عاشورا را می شنویم. به راستی چه دانشگاهی مانند این دانشگاه، به این وسعت در طول قرون و مرور اعصار، دانشجو داشته است؟ دانشجویانی مانند شیخ مفیدها و شیخ طوسی ها و ده ها هزار نخبه برجسته و ممتاز و هزاران شهید که به حضور خود در این مکتب افتخار می نمایند و همه از برکات این دانشگاه بهره مند و از خوان نعمت گسترده امام حسین علیه السلام برخوردارند.

اگر چه در طول سال و همه ماه ها، مکتب انسان ساز سیدالشهداء علیه السلام تعطیل نیست اما این رمز عجیب و سر بسیار شگفت انگیز و حضور ده ها میلیون نفر از مردم در ماه محرم در این دانشگاه جلوه دیگری دارد. همه از این مدرسه بزرگ درس می گیرند و نسخه های علاج بیماری های نفسانی و معنوی را دریافت می نمایند.

غیر از حسین و استقامت در آن ایستگاه پر از محنت و بلیات چه کسی می توانست چنین حماسه ای را به وجود آورد و این مکتب عظیم را تأسیس نماید؟ حسینیه ها، مساجد، مدارس، دانشگاه ها، بازارها و حتی خانه ها و خیابان ها به صورت اجتماعات بزرگ و به صورت فردی تشکیل می شوند.

شیعیان این دوره را می گذرانند، کتاب ها و مقالاتی را که در شرح «واقعه عاشورا» منتشر شده می خوانند و در کلاس های روضه و وعظ این دانشگاه حاضر می شوند.

جایگاه ذاکر اهل بیت علیهم السلام

یکی از قشرهای عزیزی که در این دانشگاه عظیم حسینی فعالانه و مخلصانه انجام وظیفه می‌نمایند، قشر عزیز و مقدس مداح است؛ قشری که در مواقع بزرگ، مداحی آنها و اشعارشان در تاریخ، اثرگذار بوده و هست و در دفاع از حق، نقش آنها ماندگار بوده و بسا یک شعرشان جامعه‌ای را عوض کرده و انقلابی را به وجود آورده و دیکتاتورها را محکوم نموده است. اشعار و قصیده معروف فرزندق، سید حمیری، دعبل و دیگران از شعرای عرب و عجم در مداحی یا رثای اهل بیت علیهم‌السلام و نصرت حق، فوق العاده بوده است.

انشا و انشاد این اشعار، جامعه را به هیجان و حرکت در می‌آورد و ارواح مرده را زنده می‌سازد؛ اشعاری مانند اشعار محتشمکه همیشه عظمت حادثه بزرگ عاشورا را برای جهانیان بازگو می‌نماید.

این همایش مداحی که از سوی مداحان عزیز و نخبه استان قم، مرکز حوزه علمیه جهانی و عشق آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین و روضه منوره مضجع کریمه اهل البیت علیهم‌السلام منعقد می‌شود، نوید بخش آن است که به خواست خداوند متعال با همّت بزرگان و پیشکسوتان این قشر، مداحان گرامی در ارائه خدمات مهم به اسلام و مذهب و امر به معروف و نهی از منکر، احیای اخلاق حسنه و روح اخوت ایمانی، تعاون اجتماعی و سایر

فضایل به توفیقات بیشتر نایل شوند و نقش آنها کامل تر و در حد ممکن بی‌عیب و نقص انجام گردد؛ تا هم در موضع مدیحه خوانی و هم در مرثیه‌گویی،

مرثیه‌خوانی و ذکر فضایل و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام به کسب بیشترین فیض از آنها نائل شوند.

برای تأمین این جهات باید مداحان عزیز، خود بسیج شوند و با علما، نخبگان حوزه و محققان در فنون مربوط به عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام مشورت نمایند و نقاط ضعفی را که ممکن است وجود داشته باشد شناسایی کنند.

وظایف مداحان اهل بیت علیهم السلام

حقیر، با کسب اجازه از عزیزان خودم، مداحان اهل بیت علیهم السلام، در این مجال اندک به مواردی که باید بدان توجه شود اشاره می‌نمایم:

1. هدف مداحان باید ترویج دین، نشر معارف، ذکر مصایب اهل بیت علیهم السلام و کسب درجات معنوی و اجر و ثواب الهی باشد و در مقام معامله این کار عظیم و ثواب‌های بزرگ آن با امور مادی نباشند و بدانند که خدمات مخلصانه‌ای را که انجام می‌دهند اگر با تمام دنیا هم معامله نمایند، مغبون می‌شوند.

2. مطالبی را که می‌گویید و هر سخنی را که در هر رابطه، حتی تعریف از اشخاص بر زبان می‌آورید حق باشد و سعی کنید زبانتان به باطل نرود و آیه کریمه

ما یلفظ من قولٍ الاّ لَدیه رقیب عتید^[65]

را مدّ نظر قرار دهید.

3. سعی شود اشعار مدایح و مرثیاتی که خوانده می‌شود از جهت مضمون، معنویت و پیام، بلند و عالی و برگرفته از هدایت‌های قرآنی و روایی باشد و اشعار، ضعیف و متضمن مضامین سست، خرافی و بی‌مصدر نباشد.

4. از اشعار اغراق آمیز و غلوگونه و شعارهای غالیانه و اشعار به اصطلاح عرفانی و صوفیانه که برخی عقاید باطله را القا می‌نمایند باید جداً پرهیز نمود.

5. باید مداحی شعبه‌ای از تبلیغات دینی و مداحان محترم واسطه رساندن معارف دین و پیام‌های ائمه معصومین علیهم السلام باشند. از این رو چاکران با اخلاص

آستان مقدس حسینی اولاً در تصحیح عقاید و ثانیاً تهذیب اخلاق خود کوشش فراوان نمایند که با سیما، سیره و عمل نیز بر تأثیر مضامینی که به شعر یا به نثر القا می‌کنند بیفزایند و مصداق «الموعظه إذا خرجت من قلب وقعت فی قلب»^[66] گردد.

6. بدیهی است آنچه بیشتر، نهاد مداحی را مطرح کرده و سبب ظهور آن بوده و هست، مدح اهل بیت علیهم‌السلام و به خصوص ذکر مصیبات آن بزرگواران و به ویژه مصائب حضرت سید الشهداء علیه‌السلام است که حتی در مختصرترین صورت آن، موجب بهشت می‌شود اما مداحان گرامی باید برای بیدار کردن مردم و رشد عقلانی و فکری آنها از اشعار با معنا و معرفت‌بخش و پند آموز در ستایش، حمد و تذکر نعمت های الهی استفاده نمایند.

مجلس عزای اهل بیت، دارالرحمه

در پایان، این نکته را باید متذکر شوم که مجالس عزاداری حضرت خامس آل عبا، سید الشهداء علیهم السلام، از برترین و با فضیلت ترین مجالسی است که فرشتگان الهی در آن افتخار حضور دارند و برای کسب تقرب مقام، در آن شرکت می نمایند. مجلس عزاداری و مداحی، دارالشفاء، دارالرحمه و دارالبرکه می باشد.

حضور در این مجالس و عرض ادب به ساحت مقدس سالار شهیدان را غنیمت شمرده و بر آن شاکر و سپاسگزار باشید.

ای کاش این حقیر برای جفت کردن کفش عزاداران در آن مجلس توفیق پیدا می کردم و با مداحان و عزاداران در سوگواری و عرض ادب به محضر مقدس ثار الله شریک می شدم.

یا لیتنا کنّا معکم فنفوز فوزاً عظیماً^[67]

فصل چهارم: عاشورا در عاشورا

اشاره

9. عاشورای مشهد الرضا

لا حول و لا قوة الا بالله العظیم

زمانی که در اثر انقلاب عظیم اسلامی ایران و تلاش‌ها و مجاهدات مصلحین بزرگ در سراسر عالم اسلام همه مسلمانان، به خصوص نسل جوان و تحصیل کرده در زیر لوای وحدت، امت اسلامی واحده را پی‌ریزی کرده و دل‌های همگان سرشار از عشق و محبت به توحید کلمه شده است؛ تفاهیم و تجاوب و هم‌زبانی و هم‌دردی همه را به هم نزدیک و الفت داده و وحدتی بی‌سابقه در جهان اسلام حاکم شده و معنای «اذلة على المؤمنين» و «اعزة على الكافرين» و «اشداء على الكفار رحماء بينهم» مستکبرین را سخت به وحشت انداخته است؛ در چنین موقعیتی عوامل وابسته به اعدای اسلام و استکبار جهانی از اینکه با منطق و استدلال، اهداف تخریبی خود را به کسی بقبولانند عاجزند و جز ویرانگری و اعمال وحشیانه و ضدّ اصول انسانی راهی برای نیل به اهداف شوم تفرقه‌انگیز و ایجاد کینه و دشمنی بین مسلمین پیدا نکرده‌اند.

امسال این عوامل جنایتکار در روز عاشورا، عاشورای دیگری به وجود آورده و یکی از وحشیانه‌ترین جنایت‌ها را - که جهان اسلام را در سوگ

و مصیبت فرو برد - مرتکب شدند و در بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية و الثناء حرم مطهر آن سلاله پاک پیامبر اکرم اسلام ﷺ را مورد جسارت و اهانت قرار داده، و با تعبیه بمب در جوار آن مرقد شریف جمعی از مسلمانان را که در حال عبادت و توجه به خداوند متعال بودند شهید و مجروح کرده و بخشی از آن آستان فرشته دربان را منهدم و تعدادی از مجلّدات قرآن مجید را به آتش کشیده و سوزانده‌اند.

عمق عظمت این فاجعه دلخراش که لکه ننگ تاریخی بزرگ بر دامن این از خدا بی‌خبران است با هیچ بیان و قلمی قابل توصیف نیست؛ کسانی که مرتکب مثل این جنایت می‌شوند بویی از انسانیت نبرده، و آنان سپاه یزید و سپاه شمر و ابن زیاد و سپاه حجاج هستند.

این جانب به همه مسلمانان جهان و علمای تشیع و تسنن هشدار می‌دهم که این ایادی مزدور با تمام قوا عزّت و کیان امت اسلام را هدف قرار داده‌اند، و اگر همه زعمای اسلام فکری برای جلوگیری از فساد این مفسدین ننمایند باید گفت: «و علی الإسلام السلام».

باید همه دولت‌های اسلامی و همه علما و اقطاب فکری این اعمال را شدیداً استنکار نمایند و برائت خود را از عمال این جنایت بزرگ ابراز دارند.

این جانب این مصیبت عظمی و فاجعه کبری را به پیشگاه حضرت بقیة الله ارواح العالمین له الفداء و خانواده‌های محترم عزیزانی که در این حادثه جانکاه به فوز عظیم شهادت نائل شده‌اند تسلیت عرض نموده، شفای مجروحین این

جنایت را از خدای بزرگ خواهانم و اعلام می‌دارم که چه این عوامل بخواهند و چه نخواهند عظمت اسلام و قدرت مسلمین تجدید خواهد شد و حریم حرمت آستان ملائک پاسبان حضرت رضا علیه السلام و سایر اعتبار مقدسه با

این اهانت‌ها شکسته نخواهد شد و یقین است که آثار سوء این جنایت بزرگ به زودی دستگیر عوامل آن شده و خداوند متعال آنها را رسوا نموده و به کیفر کردارشان در دنیا و آخرت خواهد رساند.

وما ذلک علی الله بعزیز^[68]

فلا تحسبنّ الله مخلف وعده رسله ان الله

عزیز ذو انتقام^[69] و^[70]

اشاره

ثلمة فی الاسلام عظیمه

یزیدیان زمان

حوادث فجیعه بسیار دلخراش و تکان دهنده کشتار و ترور عام زائران و عزاداران پاک نیت حضرت سیدالشهداء علیه السلام در شهرهای مقدس کربلا و کاظمین در روز عاشورا، عمق درد منشی و درنده خوبی عاملان آن و کسانی را که در پشت این ترورها قرار دارند آشکار نمود و به دنیا اعلام خطر کرد که اگر بنی امیه، یزید، ابن زیاد و شمر با ظلم‌هایشان عالم وجود را تکان داده و مصیبت‌زده کردند، یزیدیان، بنی امیه، بنی مروان و بنی زیاد زمان در روز عاشورا با ترور مسلمانان بی‌گناه در کربلا، در جوار روضه مقدسه حضرت سیدالشهداء علیه السلام و در کاظمیه، در جوار حرم مطهر دو امام معصوم، دوباره عاشورا آفرینند و جنایات عاشورا را تجدید کردند. این ترورها و عاملان آن، بشریت را در برابر سباع و درندگان شرمسار نمودند؛ نمی‌توان رذالت، شرارت و قساوت این اعمال ددمنشانه را با زبان و قلم

توصیف و محکوم نمود؛ هر جمله و کلمه‌ای که برای محکوم کردن آن به کار برده شود عمق این جنایت و اوج بی‌رحمی و بی‌شرمی عاملانش را بازگو نمی‌کند.

بدیهی است مسئولیت سنگین امنیت عراق و این وقایع تلخ و ناگوار بر عهده اشغالگران است، آنها باید پاسخ بدهند و از طرف جوامع بین المللی مورد بازخواست و مؤاخذه، قرار بگیرند.

اینجانب، این مصیبت عظیم را به پیشگاه اقدس حضرت ولی عصر مولانا المهدی ارواح العالمین له الفداء و به عموم شیعیان مظلوم جهان و محبان اهل بیت علیهم السلام و به وجدان‌های بیدار بشری و اهالی محترم کربلا، کاظمین، حوزه‌های علمیه به مخصوص حوزه‌های علمیه اعتبار مقدسه و به خانواده‌هایی که کسان، فرزندان و بستگان‌شان به شرف شهادت نایل شده‌اند تسلیت عرض می‌نمایم و از خداوند قهار منتقم، قلع و قمع ریشه‌های فساد و مجازات دشمنان اهل بیت علیهم السلام را مسئلت می‌نمایم.^[71]

با عاشوراییان، ص: 99

- [1] (1). سوره هود، آیه 7؛ ... تا شما را بیازماید که عمل کدام یک از شما نیکوتر است.
- [2] (1). سوره توبه، آیه 111؛ خداوند جان‌ها و اموال مؤمنین را به قیمت بهشت از آنان خریداری کرده است.
- [3] (2). سوره اعراف، آیه 179؛ آنان مانند چهارپایان، بلکه پست‌تر هستند.
- [4] (3). سوره انبیاء، آیه 23؛ (خداوند) از هر آنچه می‌کند بازخواست نشود و خلق از کردارشان بازخواست می‌شوند.
- [5] (4). سوره بقره، آیه 32؛ و تو دانایی و کارهایت حکیمانه است.
- [6] (1). سوره توبه، آیه 52؛ بگو: آیا درباره ما، جز یکی از دو نیکی (پیروزی یا شهادت) را انتظار دارید؟
- [7] (1). برای آنان آوازی بود همانند آواز زنبوران در حالی که برخی در حال رکوع، برخی در حال قیام و برخی در حال قعود بودند.
- [8] (1). سوره بقره، آیه 30؛ آیا کسانی خواهی گذاشت که در زمین فساد کنند و خون‌ها ریزند؟! [9] (2). سوره بقره، آیه 30، من به آنچه شما علم ندارید، آگاهم!
- [10] (1). ای لشکریان خدا سوار شوید و بر حسین یورش برید که به بهشت بشارتتان باد.
- [11] (1). تاریخ طبری، ج 3، ص 315 و ارشاد، ص 231.
- [12] (1). الکامل ابن اثیر، ج 4، ص 57.
- [13] (2). ارشاد، ص 231.
- [14] (1). الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 559.
- [15] (2). همان.
- [16] (1). اگر شمشیر آتشبار و تیراندازی آنان نبود گوش‌ها هرگز صدای تکبیر را نمی‌شنیدند.
- [17] (1). شیخ کاظم ازری؛ طعن نیزه‌ها همه جوارح آنها را تغییر داد جز مکرمات‌های آنان که از هر تغییری در امان بود.
- [18] (1). سوره یوسف، آیه 31؛ هنگامی که چشمشان به او افتاد، او را بسیار بزرگ شمردند و دست‌های خود را بریدند و گفتند: منزّه است خدا؛ این بشر نیست این یک فرشته بزرگوار است!
- [19] (1). البته بزرگانی مثل سایر خمسه النجباء علیهم السلام نیز واجد همین قدرت روحی و توان عظیم ایمانی بودند اما اجرای این برنامه عظیم و ایستادن در موقف تاریخی و بی نظیر به عهده حسین علیه‌السلام و بر دوش آن حضرت افتاد.

- [20] (2). صورت انسانیّت بزرگترین حجت های خدا بر خلق او است و آن کتابی است که خدا با دست توانای خود آن را نوشته و آن هیكلی است که به حکمت خود آن را بنا کرده و آن مجموع صورت جهان‌ها و عوالم است و آن مختصر علمی است که در لوح محفوظ است؛ حدیث معروف است و صدر آن به این متن در تفسیر صافی، در تفسیر آیه 2 سوره بقره نقل شده است: «الصورة الانسانية هي أكبر حجة الله على خلقه وهي الكتاب الذي كتبه الله بيده»
- [21] (1). سوره تین، آیه 4؛ به تحقیق که ما انسان را به بهترین صورت و نظام آفریدیم.
- [22] (2). سوره مؤمنون، آیه 14؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است.
- [23] (3). سوره بقره، آیه 30؛ من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.
- [24] (1). سوره انعام، آیه 162؛ نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگم برای خداوند؛ پروردگار جهانیان است.
- [25] (1). مقتل الحسین، ابی مخنف الازدی؛ ای خدا! پناه من در هر غمی تو هستی و امید من در هر سختی تو هستی. در هر چه بر من روی آورد تو پناه و یاری کننده من هستی. چه بسیار از غم‌هایی که دل را به تپش در می‌آورد و چاره را کم می‌کند و رفیق را درمانده و دشمن را خشنود می‌کند به تو واگذار نمودم و شکایت آن را به تو کردم برای رغبتی که فقط به تو داشتم نه به غیر تو، و تو آن غم را دفع کردی. پس تو صاحب هر نعمت و هر خوبی هستی و منتهای هر آرزویی تویی.
- [26] (1). سوره مبارکه ابراهیم آیه 24؛ خداوند کلمه طیبه را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرد که ریشه آن ثابت و شاخه‌های آن در آسمان است.
- [27] (2). نگاشته صبح عاشورای 1428 هـ - ق.
- [28] (1). سوره احقاف، آیه 13؛ کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، پس استقامت ورزیدند، ترس و اندوهی بر آنان وارد نمی‌شود.
- [29] (1). سوره نور، آیه 37؛ مردانی که تجارت و معامله، آنان را از یاد خدا، اقامه نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند. آنان از روزی می‌ترسند که در آن دل‌ها و دیدگان زیر و رو می‌شود.
- [30] (1). سوره احزاب، آیه 23؛ از میان مؤمنین مردانی هستند که برابر عهد خویش با خداوند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر رسانیدند و بعضی دیگر در انتظارند، و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد خویش نداده‌اند.
- [31] (1). بحار الانوار، ج 44، ص 381؛ مؤمن را بایسته است که خواهان دیدار خدا باشد که من چنین مرگی را جز سعادت و زندگی در کنار ظالمان را جز ننگ نمی‌بینم.

[32] (1). آگاه باشید که این فرومایه (ابن زیاد) و فرزند فرومایه، مرا در بین و دو راهی شمشیر (شهادت) و ذلت (زندگی) قرار داده است و هیئات! که ما به زیر بار ذلت برویم؛ زیرا خدا و رسولش و مومنان از اینکه ما پذیرای ذلت باشیم، ابا ندارد و دامن‌های پاک مادران ما و مغزهای با غیرت و نفوس با شرافت پدران ما روا نمی‌دارد که اطاعت افراد لثیم و پست را بر قتلگاه مردان با فضیلت، مقدم بداریم.

[33] (2). یا ابا عبدالله سلام خداوند بر تو باد، پدر و مادرم فدای تو، ای کاش با تو بودیم؛ پس به رستگاری عظیم نائل می‌شدیم.

[34] (1). سوره بقره، آیه 30.

[35] (2). به تحقیق خون خویش را در راه خدا بذل نمودی و خواهان نجات بندگان خدا از جهالت و حیرانی در ضلالت شدی.

[36] (1). سوره توبه، آیه 24؛ بگو: اگر پدران، فرزندان، برادران، همسران و طایفه شما و اموالی که به دست آورده‌اید و تجارتی که از کساد شدنش هراس دارید و خانه‌هایی که بدان علاقه‌مندید، در نظرتان از خداوند، پیامبرش و جهاد در راه خدا محبوب‌تر است، در انتظار باشید که خداوند عذاب خویش را در میان شما آورد! و خداوند جمعیت نافرمان را هدایت نمی‌کند.

[37] (1). سوره احزاب، آیه 35؛ به یقین مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان فرمانبر، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان شکیب، مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان انفاق‌گر، و مردان و زنان روزه‌دار، مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که بسیار بار خدا هستند، خدا هستند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

[38] (1). پیام به مناسبت سالگشت حادثه عظیم عاشورا، محرم الحرام 1420 هـ - ق.

[39] (1) سوره یوسف، آیه 111؛ در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.

[40] (1). ذخائر العقبی، ص 150؛ به راستی من مرگ (شهادت) را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز ملامت نمی‌بینم.

[41] (1). اما بعد فأنی لا اعلم اصحاباً اوفی و لا خیراً من اصحابی.

[42] (2). سوره بقره، آیه 30.

[43] (1). نهج البلاغه، حکمت 456؛ آیا آزاده‌ای نیست که این دنیا را که در کم ارزشی، همچون ته مانده طعامی است، به اهلش واگذارد؟ به راستی که جز بهشت هیچ ارزشی برای جانتان نیست؛ پس آن را فقط در برابر بهشت معامله کنید.

[44] (1). آگاه باشید که این فرومایه (ابن زیاد) و فرزند فرومایه، مرا در بین و دو راهی شمشیر (شهادت) و ذلت (زندگی) قرار داده است و هیئات! که ما به زیر بار ذلت برویم؛ زیرا خدا و رسولش و مومنان از اینکه ما پذیرای ذلت باشیم، ابا ندارد و دامن‌های پاک مادران ما و مغزهای با غیرت و نفوس با شرافت پدران ما روا نمی‌دارد که اطاعت افراد لثیم و پست را برقتلگاه مردان بافضیلت، مقدم بداریم.

[45] (1). سوره لقمان، آیه 30، اینها هم دلیل بر حقانیت خداوند است، و آنچه را غیر از او می‌خوانند باطل می‌باشد و خداوند، بلند مقام و بزرگ مرتبه است.

[46] (2). سوره یوسف، آیه 111؛ در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.

[47] (3). پیام به همایش عبرت‌های عاشورای حسینی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، ذی‌الحجه 1423 هـ - ق.

[48] (1). سوره اسراء، آیه 33؛ آن کس که مظلوم کشته شد، برای ولی او مسلط (و حق قصاص) قرار دادیم.

[49] (1). سوره قصص، آیه 5؛ و ما اراده کردیم که به مستضعفان زمین منت گذاریم.

[50] (2). نهج البلاغه، حکمت 209؛ دنیا پس از آن که به ما پشت کرده بود به ما روی آورد روی آوردن ماده شتری به سوی بچه‌اش؛ و پس از آن، آیه را قرائت فرمود.

[51] (1). سوره نور، آیه 55.

[52] (1). ناسخ التواریخ، و الدمعة الساکبه؛ هر کس با نفس خویش با ما مواسات نماید فردا در بهشت با ماست در حالی که از خشم خدای رحمان رها یافته است؛ به تحقیق جدّم رسول خدا که صلوات خدا بر او و خاندانش باد فرمود: فرزندم حسین در کربلا غریبانه و تنها و تشنه به شهادت می‌رسد هر کس او را یاری کند مرا و فرزندش حضرت مهدی را یاری نموده است.

[53] (2). پیام به مناسبت حلول محرم الحرام 1428 هـ - ق.

[54] (1). سوره حج، آیه 32؛ این است (مناسک حج)؛ و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای الهی است.

[55] (1). ذخائر العقبی، ص 150؛ به راستی من مرگ (شهادت) را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز ملامت نمی‌بینم.

[56] (2) نهج البلاغه، حکمت 456؛ آیا آزاده‌ای نیست که این دنیا را که در کم ارزشی، همچون ته مانده طعامی است، به اهلس و اگذارد؟ به راستی که جز بهشت هیچ ارزشی برای جانتان نیست؛ پس آن را فقط در برابر بهشت معامله کنید.

- [57] (1). نگاشته 17 ذی القعدة الحرام 1414 هـ - ق، 8 / 2 / 1373.
- [58] (1). سلام بر تو ای اباعبدالله، و سلام بر ارواحی که فانی در تو شدند. به درستی که خون خویش را در راه خدا میذول داشتی تا خواهان آن باشی که بندگان پروردگار از جهالت و سرگردانی در ضلالت نجات یابند و تو نظام دین را احیا کردی. صلوات، رحمت و برکات خداوند بر تو باد و براهل بیت تو و یاران تو.
- [59] (1). سوره یوسف، آیه 111؛ در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.
- [60] (1). سوره منافقون، آیه 8؛ عزت از آن خدا و رسول او و مؤمنین است.
- [61] (2). به میزان فهم یا شناخت مردم با آنان گفتگو کنید؛ به آنچه که دور از فهم و شناخت مردم است با ایشان به گفتگو نپردازید.
- [62] (1). پیام به مناسبت حلول ماه محرم الحرام، 1423 هـ - ق.
- [63] (1). سوره فصلت، آیه 33؛ چه کسی خوش‌گفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: «من از مسلمانانم؟»
- [64] (2). سلام بر مهدی، طلب‌کننده خون شهید کربلا.
- [65] (1). سوره ق، آیه 18؛ سخنی (از خیر و شر) به زبان نیاورده جز آنکه همان دم رقیب و عتید نزد آن آماده‌اند.
- [66] (1). چون اندرز از قلب بیرون آید در دل می‌نشیند.
- [67] (1). پیام به همایش سراسری مداحان استان قم، 25 ذی الحجة الحرام 1427 هـ - ق.
- [68] (1). سوره ابراهیم، آیه 20؛ و این نزد خداوند، دشوار نیست.
- [69] (2). سوره ابراهیم، آیه 47؛ پس هرگز مپندار که خداوند، وعده رسولانش را خلاف کند که البته خداوند بر هر کاری مقتدر است و از ستمگران انتقام خواهد کشید.
- [70] (3). پیام به مناسبت فاجعه خونین بمب‌گذاری در جوار حرم مطهر حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام، مشهد، عاشورای 1415.
- [71] (1). پیام به مناسبت عاشورای خونین 1425 هـ - ق که در تاریخ 12 / 12 / 1382 صادر شده است.
- مانند آزاد کردن بنده دارد».

فهرست مطالب

2	سخن ناشر
5	فصل اول: دل نوشته‌های عاشورایی
5	1. شب عاشورا
7	رزم آورد حق و باطل
8	سپاه سعادت و لشکر شقاوت
9	سپاه باطل و عدم بصیرت
10	سپاه حق، سپاه بصیرت
11	شب عاشقان بی‌دل
11	شب اتمام حجت‌ها
12	ستارگان سپاه سیدالشهدا
13	آفتاب کربلا
14	فرصتی برای انس بیشتر
15	فرصت تفکر
16	شوق دیدار
17	قلب‌های تاریک
18	یاوران حقیقی
20	دژهای محکم ایمان
20	در آرزوی شهادت
21	بزرگ‌ترین معامله تاریخ
22	نامی به بلندای تاریخ
23	در سودای محبت دوست
24	برگزیدگان مکتب ایمان

26	2. صبح عاشورا
27	جلوه‌گاه ایستادگی
28	صبح مصیبت‌ها
28	عاشورا جلوه‌گاه توکل
29	دعای حسین علیه‌السلام چه بود؟
30	در اندیشه شهادت
30	پرواز روح
31	چند نکته از یک دعا
33	فصل دوم: پیام‌های عاشورایی
33	. صراط مستقیم حسین علیه‌السلام
33	شکست ناپذیران عرصه کربلا
35	مقصد تربیتی انبیا
35	پیروزمندان عرصه بندگی
36	راه حسین علیه‌السلام صراط مستقیم
37	جایگاه عزاداری سید الشهداء علیه‌السلام
38	عاشورا و مسئولیت‌ها
39	پیام سید الشهداء علیه‌السلام به جوامع انسانی
40	حیات دین، مرهون شهادت حسین علیه‌السلام
41	هشدار حسین علیه‌السلام
42	شعار حسین علیه‌السلام
43	فرصت تبلیغ و وظیفه روحانیت
44	ارزش‌های حسینی و وظیفه ما
45	4. عبرت‌های عاشورا
45	جامعه و عاشورا
46	درس‌های عاشورا
47	باوفاترین اصحاب

48	عبرت از سپاه سیاه
48	آفتاب نینوا
49	امام علیه‌السلام و بیداری انسان
50	قهرمانان عرصه بلا
51	پیام آوران عاشورا
52	از عاشورا تا ظهور
53	جلوه‌های عاشورایی
54	تأثیر عاشورا بر مواضع ائمه علیهم‌السلام
55	رابطه عاشورا با حکومت مهدوی
57	از عاشورا تا رجعت
59	ظهور، استمرار عاشورا
60	فصل سوم: رسالت عاشورایی ما
60	. پاسداری از شعائر حسینی
61	درس عزت
62	بایدهای مراسم حسینی
63	مسئولیت‌های عاشورایی
64	پیام مکتب حسین
65	حوزه علمیه در خدمت مکتب عاشورا
66	نکاتی در باب تبلیغ عاشورا
66	حفظ هویت اسلامی
68	شناخت اقلیم‌های تبلیغی
69	ارتباط با جوانان
69	تقارن عاشورا و نوروز
70	رسالت ذاکران اهل بیتعلیهم‌السلام
70	دانشگاه عاشورا
72	جایگاه ذاکر اهل بیت علیهم‌السلام

74	وظایف مداحان اهل بیت علیهم السلام
76	مجلس عزای اهل بیت، دار الرحمه
77	فصل چهارم: عاشورا در عاشورا
77	9. عاشورای مشهد الرضا
80	10. عاشورای خونین 1425
80	یزیدیان زمان
87	فهرست مطالب